



مرکز تحقیقات اسلامی

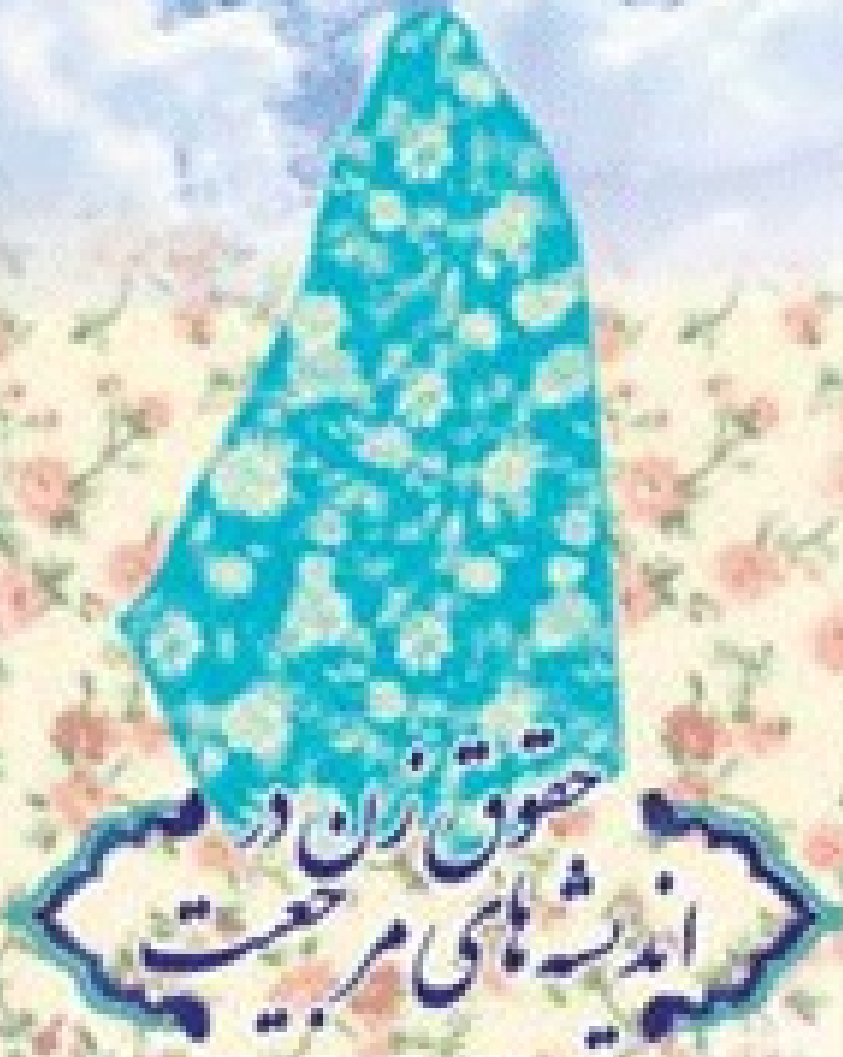
اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# صوفی زبان و رسم اندیشہ کی مرہونیت

سلسلہ مباحث عرفانی (۲)

مجموعہ اساتذہ اعلیٰ اسلامیہ جامعہ نعیمیہ اسلامیہ لاہور

پتہ: سید ابراہیم خاں، سائبر سٹیٹ، لاہور۔ فون: 37311111

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# حقوق زن در اندیشه های مرجعیت

نویسنده:

آیت الله العظمی محمد یعقوبی

ناشر چاپی:

موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

|    |  |
|----|--|
| ۵  | فهرست                                  |
| ۷  | حقوق زن در اندیشه های مرجعیت           |
| ۷  | مشخصات کتاب                            |
| ۷  | اشاره                                  |
| ۸  | فهرست مطالب                            |
| ۱۱ | مقدمه                                  |
| ۱۳ | زن در گذرگاه تاریخ                     |
| ۱۳ | پیش از اسلام                           |
| ۱۹ | پس از اسلام                            |
| ۱۹ | اشاره                                  |
| ۲۱ | حق بهره مندی از کمال انسانی            |
| ۲۳ | حقوق اقتصادی زنان                      |
| ۲۷ | توجه به استعداد و شخصیت زن             |
| ۲۷ | حضور زنان در جامعه                     |
| ۳۳ | زن در قرآن                             |
| ۳۹ | زن در روایات                           |
| ۳۹ | اشاره                                  |
| ۴۷ | خطر سقوط و انحراف زن و مرد             |
| ۴۷ | کرامت انسان اعم از مرد و زن            |
| ۴۷ | مسئولیت متقابل میان زن و مرد           |
| ۴۹ | برابری زن با مرد در تحصیل کمال و پاداش |
| ۴۹ | اشاره                                  |
| ۵۱ | عقل مداری یکسان                        |
| ۵۳ | برابری زن با مرد در حقوق               |

|    |  |
|----|--|
| ۶۳ | حقوق و وظایف زن در اسلام                 |
| ۶۳ | اشاره                                    |
| ۶۳ | حقوق اجتماعی، سیاسی زن                   |
| ۶۸ | راز جاودانگی زینب (سلام الله علیها)      |
| ۷۰ | حجاب و زنان                              |
| ۷۵ | فلسفه حجاب                               |
| ۷۷ | تفاوت‌های طبیعی در خلقت زن و مرد         |
| ۷۸ | حکمت برخی از تفاوتها در نظام حقوقی اسلام |
| ۹۲ | مرجعیت و زنان                            |
| ۹۴ | نصایح                                    |
| ۹۶ | درباره مرکز                              |

## حقوق زن در اندیشه های مرجعیت

### مشخصات کتاب

حقوق زن

در اندیشه های مرجعیت

حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی

تهیه و تدوین

موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نفیسه معظم

ص: 1

اشاره

مقدمه...4

زن در گذرگاه تاریخ...5

پیش از اسلام...5

پس از اسلام...8

حق بهره مندی از کمال انسانی...9

حقوق اقتصادی زنان...10

توجه به استعداد و شخصیت زن...12

حضور زنان در جامعه...12

زن در قرآن...15

زن در روایات...18

خطر سقوط و انحراف زن و مرد...22

کرامت انسان اعم از مرد و زن...22

مسئولیت متقابل میان زن و مرد...23

برابری زن با مرد در تحصیل کمال و پاداش...23

عقل مداری یکسان...24

برابری زن با مرد در حقوق...25

حقوق و وظایف زن در اسلام...30

حقوق اجتماعی، سیاسی زن...30

راز جاودانگی زینب (سلام الله علیها)...33

حجاب و زنان...34



فلسفه حجاب...37

تفاوت‌های طبیعی در خلقت زن و مرد...38

ص: 2

حکمت برخی از تفاوت ها در نظام حقوقی اسلام...39

مرجعیت وزنان...46

نصایح...47

ص: 3

عدالت آرمان گم گشته انسان است که همیشه در پی آن بود و خواهد بود؛ در طول تاریخ برای تحقق آن در همه زمینه ها از جمله روابط زنان و مردان تلاش های فراوانی صورت پذیرفته که به حق شایسته تقدیر و تکریم است. یکی از موضوعاتی که همیشه جوامع را درگیر خود کرده است چه از لحاظ نظری و چه عملی بحث حقوق زنان است، اهمیت این تلاش ها زمانی عیان تر خواهد بود که منصفانه رفتار جوامع با زنان به قضاوت نهاده شود؛ امری که مجالی در خور می طلبد. احکام و قوانینی که از سوی خداوند برای بشریت وضع شده است مطابق نظام تکوین و حقایق جهان هستی و ساختار وجودی انسان است. از آنجا که ساختار وجود جسمی و روحی زن با مرد متفاوت است، وظایف، تکالیف و احکام این دو نیز مساوی نیست. و این تفاوت ها را نباید تبعیض قلمداد نمود. این نوشتار حاصل برداشتهای آزاد از نگاه و اندیشه - های حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دام ظلّه در مورد حقوق زنان است. معظم له سخنرانی - های متعددی در خصوص زن و حقوق او ایراد فرمودند که محققان موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور با مراجعه به سخنرانی های ایشان نکات متفاوتی را استخراج کرده اند و آنها را از صورت گفتاری با توجه به قلمرو اندیشه ایشان به صورت نوشتاری در آورده اند؛ هر چند باید گفت که برخی مطالب نظیر مسائل تاریخی به جهت تکمیل این سیاهه از منابع دیگر استفاده شده است و نمی توان آنها را به ایشان منتسب نمود. در ادامه نام سخنرانی های و پیام های ایشان در این موضوع آورده می شود تا خوانندگان گرامی در صورت تمایل می توانند با مراجعه به اصل مطالب استفاده های مورد نیاز را داشته باشند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا - السيدة الزهراء (عليها السلام) وإقامة حكم الله تعالى - سِرُّ الْخُلُودِ  
الزَّيْنَبِيَّةِ - إحياءات القرآن لمعاني الثَّباتِ والإستقامة - القَوَاعِدِ الْقُرْآنِيَةِ لِخَلْقِ الْحَافِزِ لَدَى الشَّبَابِ - جَوَابُ  
المعترضين عَلَى القانونِ الْجَعْفَرِيِّ - دُورُ الْمَرْأَةِ فِي بِنَاءِ الْعِرَاقِ الْجَدِيدِ - الْأَرْبَعُونَ حَدِيثًا فِي قَضَايَا الْمَرْأَةِ -  
فلسفة تشريعات الْمَرْأَةِ - فِقْهُ الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ - الْحُوزَةُ وَقَضَايَا الشَّبَابِ - سِلْسِلَةٌ نَحْوَ مُجْتَمَعِ نَظِيفٍ -  
سلسله ظواهر اجتماعية منحرفة - فِقْهُ الْجَامِعَاتِ - فِقْهُ الْعَائِلَةِ - سِلْسِلَةٌ خَطَّابِ الْمَرْحَلَةِ

در پایان خاطر نشان می شود که هر تولید بشری خالی از نقص نیست و نقص و کمبودهای نوشتار پیش رو بدون شک از ناحیه ما خواهد بود و امیدواریم که خوانندگان محترم این کمبودها را بر ما ببخشند.

موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور

ص: 4

## زن در گذرگاه تاریخ

زنان همواره به علل گوناگون در جوامع مختلف مورد ستم واقع شده اند اما ادعای برتری مرد نسبت به زن و عدم رعایت حقوق او در دین اسلام ادعای بی پایه و سست می نماید. این مباحث اکثرا یا حاصل نگاههای فمینیستی است یا رد پای نگرش های ضد زنانه در آن دیده می شود. کسانی که زن و مرد را بشناسند و تفاوت های موجود در استعداد، شخصیت و خلفت آنها را دریابند به خوبی می دانند که این اختلاف ها به معنای نابرابری نیست و هر کدام آیه ای از آیات قدرت الهی است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با تکیه بر وحی، دینی را برای بشر به ارمغان آورد که زن در آن به اندازه مرد، دارای احترام و منزلت است. حقوق و تکالیف زن و مرد در دین اسلام بر پایه اشتراکات و تفاوت های فطری و تکوینی و با هدف تنظیم حکیمانه روابط اجتماعی صورت بندی شده است.

## پیش از اسلام

زن، تاریخ پر درد و رنجی را پشت سر گذاشته و در دوره هایی از تاریخ، زن با رفتارهای بسیار بد مردان و حتی فرزندان پسر مواجه می شد و مردان از موضع قدرت و زور با آنها تعامل می کردند با او به مثابه کالایی قابل معامله و یا در حد یک حیوان یا برده رفتار می شد. برای نمونه، زن در دوره بربریت، آنچنان زندگی مظلومانه ای داشته است که از عنوان انسان بودن خارج و در ردیف چارپایان و غلامان شمرده می شد. در این دوره زنان حق غذا خوردن یا حتی حق سکونت با شوهران را در یک جایگاه نداشتند و با کوچک ترین بهانه زیر ضربه های طاقت فرسای شلاق شوهران قرار می گرفتند.

در یونان، شخصیت زن در حد یک حیوان تنزل یافته بود، به گونه ای که شوهر می توانست زن خود را همچون یک حیوان، به عنوان قرض یا کرایه یا هبه، در اختیار دیگری قرار بدهد یا همچون کالایی بی ارزش در بازار برای خرید و فروش عرضه و گاهی به عنوان وصیت به دیگران واگذار نماید.



در روم قدیم نیز زن موجودی ناقص و بدون فضیلت دانسته می شد. پدران حق تام برای خود قائل بودند و هنگام ازدواج، اختیارات خود را در قبال مبلغی، با شوهر دخترشان معامله می کردند؛ به همین جهت شوهر می توانست او را به دیگری بفروشد.

در استرالیا، زنان همچون حیوانات اهلی محسوب می شدند که فقط برای دفع شهوت و تولید نسل به کار گرفته می شدند و هنگام قحطی آنان را می کشتند و از گوشت آنان استفاده می کردند. در آفریقا، سنگین ترین کارها، از قبیل ساختن عمارت ها، پاشیدن بذر، کشاورزی و آبیاری به عهده زنان بود. و مردان حاضر نبودند که حتی کوچک ترین کمک را به زنان نمایند.

در هند، زندگی زن تابع شوهر بود و بعد از مردن شوهر با جسد او سوزانده می شد و یا خوار و زبون زندگی می کرد و دیگر نمی توانست شوهر کند.

در قرن پنجم و ششم میلادی میان پیشوایان مذهبی پیروان حضرت مسیح اختلاف بود که: آیا زن دارای نفس ناطقه و جزء انسان است یا نه؟ برای رفع این مشاجره در سال (576 م) در ماکون، مجمعی مرکب از کشیشان بزرگ تشکیل گردید و پس از مدت ها گفت و گورای انجمن بر این قرار گرفت که زنان، جزء انسان می باشند، ولی تنها برای خدمت به مردان آفریده شده اند.

در دوره جاهلیت اعراب، کرامت و شخصیت زن به وحشتناک ترین صورت لگدمال می شد تا آنجا که برخی دختران نوزاد را زنده زنده در زیر خروار ها خاک دفن می کردند و در بعضی قبیله ها دختران نوزاد را سر می بریدند و در برخی دیگر از بالای قله کوه پرتاب می کردند و بعضی قبایل هم آنان را در آب غرق می نمودند. عرب جاهلی به دنیا آمدن دختران را شوم و مایه ننگ می دانستند و آن را از دوستان مخفی می کردند؛ گویا خانواده دختر جرمی مرتکب شده است.

به عنوان نمونه رفتار قیس بن عاصم که در تاریخ ثبت شد.

از جمله نقل کرده اند مردی خدمت پیامبر آمد، اسلام آورد، اسلامی راستین؛ روزی خدمت

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید و سوال کرد آیا اگر گناه بزرگی کرده باشم توبه

من پذیرفته می شود، فرمود: خداوند تواب و رحیم است، عرض کرد: ای رسول خدا! گناه من

بسیار عظیم است، فرمود: وای بر تو هر قدر گناه تو بزرگ باشد، عفو خدا از آن بزرگ تر

است.

ص: 6



عرض کرد اکنون که چنین می گویی بدان: من در جاهلیت به سفر دوری رفته بودم، در حالی که همسرم باردار بود، پس از چهار سال بازگشتم، همسرم به استقبال من آمد، نگاه کردم دخترکی در خانه دیدم، پرسیدم دختر کیست؟ گفت دختر برادر من است!

من فکر کردم ساعتی بعد به خانه خود می رود اما با تعجب دیدم نرفت، غافل از این که او دختر من است و مادرش این واقعیت را مکتوم می دارد، مبادا به دست من کشته شود.

سرانجام خانمم حقیقت امر را برایم بیان کرد و گفت: به خاطر داری هنگامی که به سفر رفتی باردار بودم، این نتیجه همان حمل است و دختر تو است!.

آن شب را با کمال ناراحتی خوابیدم، گاهی به خواب می رفتم و گاهی بیدار می شدم، صبح نزدیک شده بود، از بستر برخاستم و کنار بستر دخترک رفتم در کنار مادرش به خواب رفته بود، او را بیرون کشیدم و بیدارش کردم و گفتم همراه من بیا، او به دنبال من حرکت می کرد تا اینکه از خانه دور شدیم، من شروع به کندن زمین کردم و او به من کمک می کرد که خاک را بیرون آورم، هنگامی که حفره تمام شد من زیر بغل او را گرفتم و در وسط حفره افکندم..... در این هنگام هر دو چشم پیامبر پر از اشک شد..... سپس دست را به کتف او گذاشتم که بیرون نیاید و با دست راست خاک بر او می افشاندم! و او پیوسته دست و پا می زد و مظلومانه فریاد می کشید پدر جان! چه با من می کنی؟ در این هنگام، مقداری خاک بر روی ریش های من ریخت او دستش را دراز کرد و خاک را از صورت من پاک نمود، ولی من همچنان قساوت‌مندانه خاک بر روی او می ریختم تا آخرین ناله هایش در زیر قشر عظیمی از خاک محو شد!

به همین منظور آیاتی چند از قرآن کریم مثل آیه 140 و 137 سوره انعام در نکوهش رفتاری غیرانسانی آنان نازل شده است: (قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ) «البته آنان که فرزندان خود را به سفاهت و نادانی کشتند زیانکارند.» (وَ كَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ

أُولَادِهِمْ) «و این گونه در نظر بسیاری از مشرکان، [عمل ظالمانه] بتهاشان کشتن فرزندانشان را

برای آنها نیکو جلوه داد.»

ص: 7

در مقابل نیز ماجراهایی نقل شده است مانند ماجرای «صعصعة بن ناحیه» که اغلب مورخین حکایتش را آورده اند، وی در حالی که اسلام آورده بود، خدمت رسول صلی الله علیه و آله رسید و گفت: در جاهلیت عملی انجام داده ام؛ آیا به حال من سودی دارد؟ حضرت فرمود: عمل تو چیست؟ جواب داد: روزی دو شتر آستن از من گم شد؛ بر شتری سوار شده، و به جست و جو پرداختم، از مردی که در کنار خیمه ای نشسته بود از شترانم جو یا شدم. از من پرسید: داغ و نشانشان چیست؟ داغ مخصوص قبیلگی خودمان را گفتم. گفت: دو شتر را یافته و اینک نزد من است. در همین حال پیرزنی از عقب خیمه در آمد؛ آن مرد از او پرسید: چه زائید؟ بدون آنکه منتظر جواب بماند، ادامه داد: اگر پسر باشد که با ما شریک مال و زندگی و وارث ما خواهد شد؛ و اگر دختر باشد، که به خاکش می سپاریم.

پیرزن جواب داد: دختر است.

صعصعه ادامه داد: ای رسول خدا! نمی دانم چه انقلابی در من پدید آمد که بی اختیار به آن مرد گفتم: آیا این دختر نوزاد را می فروشی؟ گفت: هرگز شنیده ای عرب بچه فروش باشد؟ گفتم: نفروش؛ بلکه در مقابل احسان و بخششی، او را به من ببخش. گفت: حاضرم به همان دو شتر و شتری که بر آن سواری مبادله کنم. راضی شدم؛ شترها را داده، و دختر را گرفته، و به دایه ای سپردم. از آن پس این روش را ترک نکردم؛ و تا کنون دو بیست و هشتاد دختر را با بهای هر یک به سه شتر از مرگ نجات دادم. حضرت پاسخ داد: این کار تو بابتی از نیکی برایت بوده، و از جانب خداوند نیز اجر خواهی داشت؛ چون به شرف اسلامی نیز توفیق یافتی».

**پس از اسلام**

**اشاره**

با ظهور اسلام، زندگی زن وارد مرحله جدیدی گردید و در اثر تعلیمات احکام اسلام، زن

از کلیه حقوق فردی و اجتماعی خود برخوردار شد و در نظام حقوقی اسلام برای هر یک از

ص: 8

مرد و زن مطابق وظایف طبیعی شان در اجتماع حقوقی تعیین گردید. با ظهور این دین و با

تعالیم بلند و حیانی و تلاشهای طاقت فرسای پیامبر مکرم و ائمه اطهار علیهم السلام آرام آرام

ضدیت، ها نگرشهای منفی و تحقیرهایی که نسبت به شخصیت زن روا داشته میشد به پایان

رسید و احترام و حقوق کامل به زنان و شخصیت آنها بازگشت.

از آنجا که امروزه بحث زن و حقوق او از مباحث مهم اجتماعی است و پرسش های جدیدی فراروی

اندیشه دینی و جایگاه زن در اسلام به وجود آورده است. سعی میشود با استفاده از ادله عقلی و نقلی،

بحث زن در نظام حقوقی اسلام را به طور اجمالی بررسی کنیم اسلام شخصیت زن را محترم شمرد و او را

مظهر جمال خداوند معرفی کرد زن در ذهن زبان و رفتار پیشوایان دینی جایگاهی ارزنده و ارجمند یافت.

و حقوق انسانی او را به رسمیت شناخت و بر آن پای فشرد در نظام انسان شناسی اسلام زن و مرد

شخصیتی یکسان دارند و هیچ تفاوت ارزشی میان آنها وجود ندارد آری از آنجا که زن و مرد با وجود

اشتراکات فراوان در ابعاد مختلف تفاوت های غیر قابل انکاری هم دارند نظام حقوقی اسلام با در نظر گرفتن

اشتراکات و تفاوتها، حقوقی مساوی اما غیر مشابه برای آنان در نظر گرفته است در این نوشتار به برخی

از این حقوق به تناسب مطالب مورد بحث قرار می دهیم.

در ذیل به برخی از حقوق اشاره میشود.

## حق بهره مندی از کمال انسانی

در نگاه اسلام ملاک برتری انسانها نه، جنسیت نه ثروت و نه مقام، آنها بلکه تقوا و ارزشهای اخلاقی

است. قرآن کریم می فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ

أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ) (1) ای مردم ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و تیره ها و

قبیله هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست!

حق رسیدن به کمال انسانی و تحصیل فضیلت های الهی برای زن به مانند مرد در دین اسلام ثابت شده

است. در زمینه هدایت تشریحی، خداوند هرکس چه زن و چه، مرد میتواند به هر اندازه که میخواهد از

بهره برده و راه سعادت و کمال را بیمایید: (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا) [\(2\)](#) «ما راه را به او (انسان)

نشان دادیم خواه شاکر باشد یا ناسپاس!» پس اختلاف در جنسیت نمیتواند مانعی برای تکامل باشد.

ص: 9

---

1-1- سوره حجرات آیه 13.

2-2- سوره انسان آیه 3

می توان علم آموزی را یکی از مصادیق آن بشمار آورد که نه تنها حق بلکه تکلیفی برای زن و مرد است و آن را به شکل‌های گوناگون سفارش کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: فراگیری علم بر هر مسلمانی (مرد و زن) واجب است.»

## حقوق اقتصادی زنان

در زمان‌های که زن از همه ی حقوق انسانی خویش، از جمله حقوق اقتصادی، محروم بود و حق هیچگونه تصرف در آنچه به دست می آورد، نداشت، اسلام حقوق اقتصادی و مالی او را به رسمیت شناخت و مالک اموال خود معرفی کرد. محرومیت زنان از حقوق اقتصادی در همه جای جهان رایج بود. اسلام، دینی که معاندان و جاهلان آن را متهم به از بین بردن حقوق زنان می کنند، هزار سال پیش، حق مالکیت را برای زنان به رسمیت شناخته است؛ و انگیزه چنین امری تأمین کرامت انسانی و احترام به زن بود. خداوند متعال با صراحت می فرماید: «برای مردان بهره ای است از آنچه به دست می آورند و برای زنان بهره ای است از آنچه به دست می آورند.» همچنین برای آنان با توجه به حکمتها و مصلحت ها در چهار چوب شریعت، حق ارث معین شده است: «و برای زنان نیز از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان به ارث می گذارند، سهمی است.»

نکته اصلی در وضع قوانین شرعی این است که خلقت، ظرفیت و استعداد افراد مورد توجه قرار می گیرد و حقوق و تکالیف آنها بنابر استعدادشان وضع می شود. پس برتری روحی مردان بر زنان به عنوان یک امتیاز ارزشی، به تفاوت‌های جسمی و روحی و کارکردهای اختصاصی زن و مرد بستگی ندارد؛ بلکه براساس ایمان و عمل که جامع آنها تقوی است، مشخص می شود.

نکته مهمتر این است که تساوی، همیشه به معنای تشابه نیست. قرآن کریم می فرماید: «شما را از نفس واحد آفریدیم». رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مردم - اعم از زن و مرد - مانند دندان‌های شانه با هم برابرند؛» اما لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت و شرافت انسانی، تشابه صددرصد آنها در حقوق و تکالیف نیست. زن و مرد در حقوق عمومی و حقوق انسانی، برابرند؛ اما آیا با توجه به تفاوت‌های موجود

و غیر قابل انکار و غیر قابل زوال، نباید هیچگونه تقسیم کار و وظیفه و اختصاص کارکردی در میان باشد؟! تساوی، غیر از تشابه است. تساوی، برابری است و تشابه، یکنواختی! اسلام هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی و ارزشی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست؛ اما با توجه به تلازم حق و تکلیف، ممکن است به دلیل

ص: 10



تکالیف بیشتری که بر عهده مردان گذاشته است، اختیارات بیشتری نیز برای آنان قائل شده باشد. اسلام با

تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست؛ اما با تشابه و یکنواختی حقوق آنها مخالف است.

در اسلام، تساوی ارزشی بین زن و مرد و نیز یکسان بودن راه ترقی برای آن دو، یک اصل

اساسی است و جزو اصول مسلم دینی به حساب می‌آید در این مورد میتوان به آیات ذیل

استناد نمود: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: 3)؛ «الَّتِي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ

أَوْ أَنْثَى» (آل عمران: 195)؛ «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّه حَيَاةً طَيِّبَةً وَ

لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (آل عمران: 190)؛ «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ

ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا.» (نساء: 37) آیات مزبور

بیانگر تساوی حقوق زن و مرد است در این آیات مرد و زن باهم ذکر شده، اما این دو

موجود از نظر طبیعی و جسمی تفاوت‌هایی با هم دارند این تفاوتها اقتضای تقسیم

مسئولیتها و تربیت نظامهای اجتماعی را طلب می‌کند تبعیض هنگامی تحقق می‌یابد که

در صورت تساوی تواناییها و استعدادها یکی را بر دیگری ترجیح دهیم لحاظ نکردن توانایی

و استعداد و چشم پوشی از نوع مسئولیت موجب تبعیض میشود زن و مرد مکمل یکدیگر و

همانند، لباس جبران کننده کمبود و مایه آرامش هم میباشند. یکی از ستمهایی که بر زن روا

داشته می‌شود این است که از زن بخواهیم مسئولیتی را بپذیرد که با خلقت طبیعی او سازگار

نیست.

وجود برخی از تفاوتها و توجه به آنها در وضع حقوق و تکالیف، عین عدالت است نه ظلم

به زنان. مقتضای عدالت این نیست که حقوق زن و مرد کاملاً یکسان و مشابه باشد، بلکه این

ظلم به زن و مرد و نادیده گرفتن تواناییها تفاوتها و ویژگیهای تکوینی آنان است. نباید

هر نوع تفاوتی را تبعیض دانست و تساوی و برابری زن و مرد در حقوق و تکالیف را به

معنای تشابه و یکسانی کامل زن و مرد در حقوق و تکالیف معنا، کرد بلکه تساوی به این

معناست که هر یک از زن و مرد از حقوق و تکالیف مناسب با ویژگیهای تکوینی شان برخوردار شوند و چیزی بر آنان تحمیل نگردد کارکردهای متفاوت زن و مرد و نقش تکمیلی

ص: 11

آن دو برای یکدیگر و ایجاد توازن و تعادل در نظام هستی، تفاوت‌های زن و مرد در برخی از حقوق و تکالیف را ضروری می‌سازد و این عین عدالت است نه ظلم و تبعیض تا سعی در زدودن و از بین بردن آن شود

## توجه به استعداد و شخصیت زن

کسی نمی‌تواند تفاوت‌های طبیعی زن و مرد را منکر شود و اختلاف‌گرایی و نمایلات و استعدادهای آنها را انکار کند.

اسلام به این تفاوت‌ها با دقت توجه کرده و قوانین و احکام خود را برای زن و مرد با عنایت به استعدادهایشان وضع نموده است. هماهنگی بین قوانین و حقوق از یک سو، و ظرفیت و استعداد بشر چه مرد و چه زن، از سوی دیگر از نگاه‌های دقیقی است که دین اسلام بکار برده است. از این رو در مواجهه با قوانین اسلام باید از جزءبینی و یک‌سونگری پرهیز کنیم و به آنها به صورت مجموعی و کلی نگریسته شود تا جایگاه واقعی هر یک از زن و مرد شناخته شود. در ادامه به برخی از این تفاوت‌ها اشاره می‌شود.

## حضور زنان در جامعه

سلام حضور زن در جامعه و پرداختن به امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را جایز می‌داند؛ هر چند این امر را مشروط به حفظ عفت می‌کند. البته این شرط نیز احترام به شخصیت زن است و محدودیتی به همراه نمی‌آورد. ذکر چند نمونه تاریخی از صدر اسلام می‌تواند این ادعا را اثبات کند مانند آنجا که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در مواجهه با رفتار برخی از مسلمانان که مانع خروج زنان از منزل می‌شدند فرمود: (إِنَّهُ قَدْ أُذِنَ لَكُنَّ أَنْ تَخْرُجْنَ لِحَاجَتِكُنَّ) (1) «همانا خداوند به شما زنان اجازه داده است که برای برطرف کردن حوائج خود از خانه خارج شوید.» یا در بیعت زنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله) بعد از فتح مکه، و نیز شرکت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در تشییع جنازه بعضی مسلمانان و عدم مخالفت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، همچنین می

---

1- الطراز الأول و الكناز لما عليه من لغة العرب المعول، به نقل از بخاری.

توان به حضور پررنگ حضرت زینب سلام الله علیها در دفاع از حریم ولایت و روشنگری های تاریخی آن بانو در این خصوص اشاره کرد.

بلکه می بینیم که در سیره انبیاء گذشته نظیر حضرت موسی (علیه السلام) و اثر گذاری او بر آسیه همسر فرعون و تاثیر پذیری او و دادن حق انتخاب برای تعیین سرنوشت خود با اینکه هزینه های زیادی را در را متحمل شد اما انتخاب درست او باعث شد در تاریخ نام او زنده بماند و اکثراً بی نظیر او، هر انسانی را مبهوت میکند او همسر فرعون، زن اول امپراطوری فرعون که همه خواسته های خود را بدون هیچ مانعی برآورده می ساخت، جایگاه ویژه در نزد فرعون، غرق در امکانات و نعمت های فراوان که هیچ زنی در خواب آنها را نمی بیند. علیرغم جایگاه بلند در کاخ فرعون و غرق بودن در امکانات رفاهی، با این وجود از همه آنها دست کشید و همینکه ندای دعوت به خداوند متعال را از حضرت موسی (علیه السلام) شنید در میان پیروان او قرار گرفت.

و در آن جایگاه بلند که قرآن به برخی از جوانب آن اشاره کرده است که از جانب فرعون می فرماید: (وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ) (فَلَوْلَا أَلْقَيْ عَلَيْهِ أَسْوَدَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ) (1). و همچنین در نهایت طغیان و جبروت بود به طوریکه شجاع ترین افراد در مقابل او ذلیل می شدند.

با آن وجود این زن از همه آن نعمت ها دست می کشد و در مقابل همه کفر و طغیان می ایستد و از ایمان آوران به حضرت موسی (علیه السلام) می شود.

همینکه دعوت او به سوی خداوند متعال را می شنود و معجزه های او در مقابل ساحران را می بیند و شناخت او از راستگویی و صداقت و استقامت و اخلاق والای موسی (علیه السلام) را از هنگامیکه مادرش او را در صندوقی در رود انداخت و فرعون او را از آب گرفت آسیه از او خواست که او را زنده نگهدارد (وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَسْعُرُونَ) (2) او را به سرپرستی قبول کرده بود، به او ایمان آورد.

1- سورة زخرف آيه 51-53

2- سورة قصص آيه 9

دعایی که حضرت آسیه کرد نشان از کمال معرفت و بلندای شخصیت او دارد، او تمام هدف در زندگی خود را در این دعا خلاصه کرد. دعای خود را اینگونه شروع کرد: (پروردگارا) تا اعترافی باشد در پیشگاه خداوند تا آن را برای او دائمی گرداند.

از خداوند خواست که او را از حيله ها و فشارها و فتنه های فرعون نجات دهد تا جزیی از دستگاه فاسد فرعون نباشد (قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ) (1) او از کفر و عملکرد شیطانی فرعون و تمام جامعه فرعونیی که غرق در کفر و معصیت بود برائت جست. با تمام وجود رو به خداوند کرد و از تمام نعمت های موجود در کاخ فرعون که ما فوق تصور است رویگرداند.

اما او با بصیرت کامل دانست که این متاع دنیوی پایدار نیست و به درخواست خانه بهشتی در مقابل آنچه از آن دست داد اکتفاء نکرد و خواست که آن خانه در قرب و نزد خداوند متعال باشد. جایگاه مکانی مراد نیست چراکه خداوند مکان ندارد بلکه خواست او، قرب و منزلت ویژه در نزد خداوند که جایگاه معنوی بلندی است را طلب نمود و بدین وسیله او مثال والایی در این زمینه شد.

چرا نام و یاد سروران زنان جهان را باید گرامی و زنده نگهداشت؟

ما نیاز مبرم به احیای نام و یاد سروران زنان جهان داریم به دلیل آنکه:

موجب فزونی همت و اراده در راه اطاعت از خداوند متعال می شود.

موجب قوت قلب ما در ایستادگی در مبارزه با فساد و بی بند و باری و دوری از

خداوند متعال می شود هرچند فشارها و زرق و برق ها بسیار باشد.

تا آنچه برخی از خانم ها در مراسم ازدواج یا در فضای مجازی یا در ارتباطات شان و

مانند آن انجام می دهند در نزد ما منفی جلوه کند.





و این بزرگ زن بر تمام ما حجت است:

• به دلیل آنکه اسباب گمراهی که ما با آن روبرو شدیم در مقابل آنچه زن فرعون مواجه شد ناچیز است.

و آنچه به ما فشار آورد و تهدید می کند در مقابل آنچه او دید قابل قیاس نیست.

او زیر شکنجه ها از دنیا رفت، با این وجود پایدار و استقامت ورزید، و با اخلاص تمام به

دیدار خداوند شتافت و با خشنودی و رضایت زیر شکنجه های شدید شهید شد؛ اگر ما در

ادای وظیفه ضعف نشان دادیم یا کم کاری کردیم چه عذر و بهانه ای می توانیم بیاوریم؟ (1)

## زن در قرآن

یکی از زنانی که در قرآن از وی نام برده شده است، مریم دختر عمران است؛ قرآن برخلاف

انجیل حوادث زندگی مریم را از ابتدای تولد او دنبال می کند، و اینکه زکریا سرپرستی او را

برعهده گرفت. در قرآن آمده است که از نزد خدا به مریم در محراب عبادت روزی بی حساب

رسیده است.

و نیز ساره زن ابراهیم و همسر دیگر وی هاجر که مادر اسماعیل بود قرآن، اشارات گذرایی به

مادر و خواهر موسی و همچنین دختران شعیب و نیز به همسر فرعون که موسی را پذیرفت

دارد و آن سه را به زنانی مؤمن می داند.

در سوره نمل، داستان سلیمان و ملکه سبا آمده است. نام او در قرآن مشخص نشده است، اما

در تفاسیر و احادیث از او به بلقیس یاد شده است. قرآن ایشان را حاکمی توصیف می کند که

از هر چیز به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت، او دعوت سلیمان را می پذیرد و نزد او

می آید و با سلیمان تسلیم خدا می شود.

1- سخترانى: ( السَّيِّدَةُ أَسِيَا قَبْلَ السَّيِّدَةِ مَرْيَمَ )

دیگر زنانی که در، قرآن به آنها اشاره شده است؛ دو تن از همسران پیامبر اسلام هستند.

مفسرین بر این که آن دو عایشه و حفصه، بودند اتفاق دارند قرآن آن دو را به خاطر فاش

کردن رازی که پیامبر به یکی از ایشان سپرده، بود سرزنش کرده و به توبه دعوت نموده است.

از همسر نوح و همسر لوط همچون دو نمونه از کسانی که کفر ورزیده اند، یاد میشود آنان به همسران

خود که مردانی نیک بودند، خیانت ورزیدند و به آتش دوزخ فرستاده خواهند شد. و همچنین در برخی از

آیات اشاراتی به فاطمه زهرا و دیگر زنان شده است.

در قرآن کریم نمونه‌های فراوانی از زنان با ایمان و نیرومند و تأثیر گذار در جامعه ذکر شده است. از جمله

این بانوان حضرت مریم دختر عمران مادر حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام است. قرآن در باره او

می فرماید:

«إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (1)

«و هنگامی که فرشتگان گفتند ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده

است.»

و یا مادر حضرت موسی (علیه السلام) که از زنان برجسته و مورد خطاب خداوند بوده و قرآن می فرماید:

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ» (2) «ما به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر بده»

و باز می توان در قرآن از دو همسر بزرگوار حضرت ابراهیم (علیه السلام) به نامهای ساره؛ مادر حضرت اسحاق و

هاجر؛ مادر حضرت اسماعیل نام برد.

از دیگر بانوان که صاحب تخت و تاج بود حضرت بلقیس ملکه سرزمین سبا است که چون به خدمت

حضرت سلیمان رسید دین حق را با میل و رغبت پذیرفت و خود و تاج و تخت و کشور پهناور سبا را در

اختیار حضرت سلیمان قرار داد. قرآن می گوید:

«قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (3)

---

1- سورة آل عمران آیه 42

2- سورة قصص آیه 7

3- سورة نمل آیه 44

«بلیس - گفت: پروردگارا! من به خودم ظلم نمودم و - اینک - خود را برای پروردگار جهانیان تسلیم

سلیمان می کنم.»

زنان در پیش از اسلام با از دست دادن حیثیت انسانیشان، در فضای بی عدالتی و تبعیض و فساد می

سوختند. اسلام با تبعیضات رایج در بین زن و مرد به مبارزه برخاست و زن را به عنوان یک عنصر

اصلی جامعه بشری، برخوردار از هر تمام حقوق انسانی و اجتماعی معرفی کرد. قرآن کریم برترین کرامت

را برای زن بیان و عالی ترین دفاع را از حقوق آنان نموده است، به گونه ای که جایگاهی برای او ترسیم کرد

که مطابق با مصالح اجتماعی و مطابق با وضعیت طبیعی آنان می باشد. بهترین دلیل برای اثبات این مطلب

آیات نورانی آن است که به طور فشرده نمونه هایی از آن بیان می گردد:

تساوی با مردان در خطابات قرآنی

قرآن کریم مرد و زن را از نظر ارزش انسانی و معنوی، برابر می داند و با خطاب های (یا ایها الناس)

(یا ایها الذین آمنوا) هر دو را یکسان مورد خطاب قرار داده است. در هیچ یک از خطاب های قرآن

کوچک ترین تفاوتی بین زن و مرد مشاهده نمی شود.

هویت انسانی زن در اصل خلقت

در شرایطی که بعضی از فرهنگ های قدیم در تاریخ بشری، زن را جزء حیوانات به حساب می آوردند

و انسان بودنش را باور نمی کردند، اسلام با صراحت برابری زن را با مرد در اصل خلقت و هویت انسانی

بیان فرمود و زن را یکی از دو عنصری که انسان ها از آن دو عنصر پدیدار گشته اند معرفی کرد.

از منظر وحی سرشت مرد و زن واحد است و آن انسانیت است. مرد بودن و زن بودن از ویژگی هایی است

که برای تکمیل آفرینش با دو خصوصیت زنانیت و رجالت ظهور و بروز نموده است و ویژگی و امتیاز هر

یک با داشتن تقوای الهی روشن می گردد. در اینجا به برخی از آیات در این زمینه اشاره می شود:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) (1)

ای مردم ما شما را از دو جنس مرد و زن آفریدیم و شما را به صورت گروه و قبیله ها قرار دادیم، تا هم

دیگر را بشناسید و به درستی که گرمی ترین شما در نزد خدا، پرهیزگارترین شماست.

ص: 17

---

1- سوره حجرات آیه 13

در آیه ای دیگر، به تساوی خلقت مرد و زن تصریح و به روشنی بیان شده است که زن و مرد از یک

واقعیت نشأت گرفته اند و آن انسان بودن است:

**(يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً) (1)**

ای مردم از پروردگارتان بپرهیزید که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او آفرید

و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.

در آیه سوم، علاوه بر این که حقیقت مرد و زن را یکی دانسته است، خانم ها را مایه آرامش مردان دانسته

است:

**(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا) (2)**

از نشانه های قدرت خدا این است که همسران شما را از جنس شما قرار داد تا به وسیله آنها آرامش بیابید.

## زن در روایات

### اشاره

1- «پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم»:

**«خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِكُمْ وَبِنَاتِكُمْ» (3)**

بهترین شما کسانی هستند که بهترین سرپرست و نگهبان برای زنان و دختران خود باشند.

2- «مولی امیر المؤمنین علیه السلام»:

**«اللَّهُ اللَّهُ فِي النِّسَاءِ وَ مَمْلَكَتِ أَيْمَانِكُمْ» (4)**

از خدا بترسید و درباره زنان و زیردستان خود خدا را شاهد و ناظر بگیرید.

3- «امام محمدباقر (علیه السلام)»:

**مَنْ حَسَنَ بَرَّهُ بِأَهْلِهِ زِيدَ فِي عُمْرِهِ (5)**

ص: 18

- 2- آیه 21 سوره روم
- 3- مستدرک، ج 14، ص 255
- 4- نهج البلاغه، (وصیت) نامه 47
- 5- تحف العقول، ص 305



کسی که با اهل و خانواده اش خوش رفتار باشد عمر طولانی خواهد داشت.

4- «امام زین العابدین (علیه السلام):»:

«وَأَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأُنْسًا فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فَتَكْرَمِهَا

وَتَرْفُقْ بِهَا» (1)

و اما حق زوجه، بدان که خدای متعال او را برای تو محل انس و آرامش قرار داده و این یک نعمت الهی بر

تو است که او را گرامی بداری و با رفق و مدارا با وی رفتار نمایی.

5- «پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم):»:

«خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ وَ تَطْفِيءُ غَضَبَ الرَّبِّ، وَ مُهُورُ الْحُورِ الْعِينِ وَ تَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ وَ الدَّرَجَاتِ» (2)

خدمت به اهل و عیال، کفاره گناهان کبیره و غضب پروردگار را خاموش می کند. مهریه حوریان بهشتی

است و بر حسنات و درجات انسان می افزاید.

6- «پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم):»:

«أَيُّمَا إِمْرَأَةٍ أَعَانَتْ زَوْجَهَا عَلَى الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ أَوْ طَلَبِ الْعِلْمِ أَعْطَاهَا اللَّهُ مِنَ الثَّوَابِ مَا يُعْطَى إِمْرَأَةَ أَيُّوبَ

عَلَيْهِ السَّلَامُ» (3)

هر زنی که شوهر خود را در رفتن به حج یا جهاد یا تحصیل علم یاری دهد خداوند اجر و ثواب همسر

حضرت ایوب پیغمبر علیه السلام را به وی عطا می فرماید.

7- احترام گذاشتن به حضرت زهرا

پیامبر اسلام برای اثبات کرامت زن در عمل، آنچنان به احترام دخترش فاطمه (سلام الله علیها) برخاست که مردم

تعجب می کردند. نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) دست زهرا را می بوسید و به او احترام می گذاشت تا ثابت کند که وجود

دختر مایه ننگ و عیب نیست. پیامبر (صلی الله علیه و آله) تنها به این مورد احترام به زهرا (سلام الله علیها) اکتفا نکرد، بلکه در موارد

مختلف، حفظ احترام به دختران و حفظ شخصیت آنان را به اصحاب گوشزد می کرد.

---

1- مكارم الاخلاق، ص 420

2- جامع السعادات، ج 2، ص 141

3- مكارم الاخلاق، ص 201

## 8- دختر حسنه است

پیامبر اسلام طبق حدیثی شریف فرمود:

«الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَالْبُنُونَ نِعْمَةٌ وَالْحَسَنَاتُ يُثَابُ عَلَيْهَا وَالنِّعْمَةُ يُسْأَلُ عَنْهُ»؛ دختران حسنات و پسران نعمت

(الهی) هستند و در برابر حسنات ثواب داده می شود و از نعمت سؤال می شود. تعبیر به حسنات، بیان گر

ارزش بسیار بالایی است که وجود دختر در خانواده، موجب ثواب و پاداش الهی است.

## 9- دختر ریحانه است

روزی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) خبر دادند که خدا دختری به ایشان عنایت فرموده، در اثر بقایای رسوبات زنگار

جاهلی، آثار ناخشنودی، در چهره یاران حضرت پدیدار گردید، حضرت فرمود:

«مَالِكُمْ رِيحَانَةٌ أَشْمُّهَا وَرِزْقُهَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ این چه حالتی است که در شما می بینم؟ خداوند گلی به

من عنایت فرموده که آن را می بویم و روزی او را خدا می دهد.

## 10- بهشت در زیر پای مادران

پیامبر اسلام فرمود: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» بهشت در زیر قدم های مادران است.

## 11- دستور احترام به دختران

پیامبر اسلام فرمود:

کسی که تحفه ای برای خانواده اش می خرد، همچون کسی است که می خواهد به نیازمندان کمک کند و

هنگامی که می خواهد تحفه را تقسیم کند نخست باید به دختر و بعد به پسران بدهد، چرا که هر کس

دخترش را شاد و مسرور کند چنان است که گویی کسی از فرزندان اسماعیل (علیه السلام) را آزاد کرده باشد.

در سخن دیگر فرمود: «هرکه سه دختر یا سه خواهر را سر پرستی کند بهشت برایش واجب و حتمی

است».

## 12- احترام به زن ها

نقل شده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«انَّ لِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقًّا»؛ بانوان شما بر شما حقوقی دارند و شما نیز بر آنان حقوقی

دارید. و در مورد اکرام به زنان فرمود:

ص: 20

«مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ الْأَكْرِمَ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لِنَيْمٍ»؛ تکریم زنان شیوه بزرگواران و اهانت به آنان، کار فرومایگان است.

در سخن امامان سفارشات و توصیه های اکید نسبت به بانوان و به خصوص همسران شده است، از جمله در رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) می خوانیم.

«وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِكَ النِّكَاحِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَمُسْتَرَاحًا وَأُنْسًا وَوَاقِيَةً، وَكَذَلِكَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ، وَيَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ، وَوَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ يُكْرِمَهَا وَيُرْفَقَ بِهَا وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَغْلَظَ 7 وَطَاعَتُكَ بِهَا الزَّمُ فِيمَا أَحْبَبْتَ وَكَرِهْتَ مَا لَمْ تَكُنْ مَعْصِيَةً، فَإِنَّ لَهَا حَقَّ الرَّحْمَةِ وَالْمَوَاسَاةِ، وَمَوْضِعَ السُّكُونِ إِلَيْهَا قَضَاءَ اللَّذَّةِ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا وَذَلِكَ عَظِيمٌ. وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.»

«و اما حق کسانی که با ازدواج به ملک تو در آیند آن است که بدانی خداوند آنان را مظهر آرامش، راحتی، انس و محافظت تو قرار داده است. همچنین بر هر کدام از شماست که خداوند را بخاطر وجود دیگری سپاس گوید و بداند که این نعمتی از جانب خدا است و واجب است همنشینی این نعمت را نیکو بدارد و به او احترام گذارد و با او مهربانی کند گرچه حق تو بر او باشد و اطاعت تو نسبت به آنچه او دوست می دارد یا از آن کراهت دارد مادامی که معصیت نباشد لازم تر است چرا که او حق مهربانی و انس و الفت دارد و کانون آسایش و آرامش بودن و برخورداری و بهره مندی را دارد که باید ادا شود و این حقی عظیم است و - برای حسن انجام آن - پناه و توانی جز خدا نیست.»

و امام صادق فرمود: «الْخَيْرَانِ الْحَسَانُ مِنْ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَنْ أَجْمَلُ مِنَ الْحُورِ الْعَيْنِ». «بانوان نیکو کار از اهل دنیا در آخرت از حورالعین زیباترند.»

و در حدیث دیگر فرمود: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي نِسَاءٍ». «بیشتر نیکی ها در بانوان است.»

و باز در روایتی از امام صادق (علیه السلام) ویژگیهای زنان نیکو کار چنین یاد آوری شده است:

«خَيْرِ نِسَاءٍ كُمْ الَّتِي إِذَا أَنْفَقَتْ، أَنْفَقَتْ بِمَعْرُوفٍ وَأَنْ أَشْكَتْ، أَشْكَتْ بِمَعْرُوفٍ فَتِلْكَ عَامِلَةٌ مِنْ عُمَّالِ اللَّهِ.»

«بهترین زنان آن زنی است که اگر انفاق کند به معروف انفاق می کند و اگر خود نگهدار باشد به معروف،

خودنگهداری می کند و این چنین زنی یکی از کار گزاران الهی خواهد بود.»

ص: 21

## خطر سقوط و انحراف زن و مرد

قرآن در مورد امکان انحراف در مورد نفس انسان را بطور مطلق ذکر کرده است که شامل دو جنس مرد و زن می شود و می فرماید:

( وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا ، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا ، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ) (1)

«و سوگند به نفس آدمی و آن کس که آن را منظم ساخته است. سپس فجور و تقوا - شر و خیر - را به او الهام کرده است. که هر کس نفس خود را تزکیه کند، رستگار شده است. و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است.»

## کرامت انسان اعم از مرد و زن

قرآن کریم در داشتن کرامت، هیچ فرقی بین مرد و زن نمی گذارد، بلکه به طور مطلق می فرماید:

( وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ) (2)؛ ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم.

عبارت «بنی آدم» صریح در نوع انسان است که به زن و مرد به صورت تساوی اطلاق می گردد.

در آیه دیگر با اشاره به احسن التقویم بودن انسان، کرامت مرد و زن را به طور مساوی بیان می کند:

( لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ) (3)؛ هر آینه انسان را در بهترین صورت ممکن آفریدیم.

انسان چه زن و چه مرد، در میان همه مخلوقات عالم در بهترین شکل از نظر صورت و سیرت آفریده شده است.

در مجموع آیات قرآنی که بیان گر کرامت انسان هستند، هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نشده و هر دو جنس را به طور یکسان در کرامت شریک می دانند.

## مسئولیت متقابل میان زن و مرد

قرآن می فرماید:

ص: 22

2- سورة اسراء آيه 70

3- سورة تين آيه 4



«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ

تُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ مَلَائِكَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (1)

«و مردان و زنان با ایمان یار و یاور یکدیگرند. امر به معروف و نهی از منکر می کنند و نماز را بر پا

می دارند و زکات را می پردازند و خداوند و رسولش را اطاعت می نمایند، خداوند به زودی آنها را

مورد رحمت خویش قرار می دهد. خداوند توانا و حکیم است.»

## برابری زن با مرد در تحصیل کمال و پاداش

### اشاره

با آنکه بسیاری از اقوام پیشین، زنان را شایسته دینداری نمی دانستند و معتقد بودند که زن موجودی پست است و عبادتش در پیشگاه خدا مقبول نیست. اسلام با رد این پندار باطل، فرمود: از نظر قبولی عبادات و طاعات بین زن و مرد هیچ فرقی وجود ندارد. قرآن کریم، در برنامه های تربیتی، اخلاقی، علمی و عملی و رفتاری ...، رسیدن به سعادت و کمال هر دو جنس را بدون تفاوت، در پرتو عمل صالح و رفتار نیک تضمین فرموده است:

( مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا

يَعْمَلُونَ). (2)

این آیه تصریح دارد که زندگی طاهر که از درون این زندگی، به واسطه عمل صالح برمی خیزد باعث

روشنایی قلب و نشانه کمال و قرب انسان می شود، برای مرد و زن به طور مساوی ممکن و میسر است.

( وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ)؛ هرکس کار

شایسته انجام دهد خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن باشد آنها وارد بهشت می شوند و در آن، روزی

بی حساب به آنها داده خواهد شد.

( أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ مَنْكُم مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ)؛ عمل هیچ کس را ضایع نمی نمایم خواه

مرد باشد یا زن، بعضی شما از برخی دیگر هستید. [همگی از یکدیگر خلق شدید؛ مرد مولود از زن و زن

مولود از مرد و همه از آدم هستند].

ص: 23

---

1- سوره توبه آیه 71

2- سوره نحل آیه 97

از نظر اسلام، کرامت و ارزش هر یک از زنان و مردان، در دنیا و آخرت، در گرو اعمال و کردار نیک یا بد خود او می باشد. بنابراین زنان نیز در تحصیل کمالات همانند مردان از راه تقوا، تلاش و کوشش معنوی و سلوک شایسته و انسانی به قله های بسیار بالایی دست یابند و بر این پایه قرآن کریم نمونه هایی از زنان مانند حضرت مریم، آسیه و غیره را معرفی کرده است که از راه مجاهدت و تلاش از کثیری از مردان جلو افتادند.

قرآن همچنین می فرماید:

(وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا) (1)

«و آن کس که چیزی از اعمال صالح انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، اما ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل در بهشت می شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.»

در آیات دیگر مثل سوره نحل، آیه 92 و همچنین سوره غافر، آیه 40 و سوره توبه، آیه 72 به این مهم اشاره شده است.

## عقل مداری یکسان

قرآن کریم عقل گرایی را برای مرد و زن، هر دو، لازم و ضرورت زندگی سالم دانسته است.

در سوره زمر می خوانیم:

فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْأُولَاءُ (2)

«پس به بندگان من بشارت ده؛ کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکو ترین آنها پیروی می کنند، آنها

کسانی هستند که خدا هدایشان کرده و آنها خردمندانند.»

و چون واگذاری امانات الهی به انسانها است، تفاوتی بین زن و مرد گذارده نمی شود. آیه 72 سوره احزاب شاهد این گفته است.

1- سورة نساء، آيه 124

2- سورة زمر، آيه 17- 18

## برابری زن با مرد در حقوق

بعد از ظهور اسلام و نزول آیات قرآنی، بحث کرامت و حقوق زن در میان مسلمانان مطرح گردید و سؤالاتی که در برخی از موارد مانند مسأله ارث، از ائمه (علیهم السلام) شده است؛ از جمله: شبهه افکنی ابن ابی العوجا یکی از دهریون زمان امام صادق (علیه السلام) در مسأله حق الارث زن که می گفت: چرا زن بیچاره که از مرد ناتوان تر است باید یک سهم ببرد و مرد که توانا تر است دو سهم ببرد؟ امام صادق (علیه السلام) در جواب فرمود:

چون اسلام سربازی را از عهده زن برداشته و به علاوه مهر و نفقه را به نفع او بر مرد لازم شمرده است و در بعضی جنایات های اشتباهی که خویشاوندان جانی باید دیه بپردازند زن از پرداخت دیه و شرکت با دیگران معاف است.

و نیز روایتی که آبان الاحمر از امام صادق (علیه السلام) از علت عدم ارث زن از زمین و اصل بنای شوهر متوفی سؤال می کند امام در جواب مصلحت فامیل و قوم شوهر را مطرح نموده فرمود: برای اینکه ممکن است زن شوهری از قوم دیگر اختیار کند و فرزندان از آن به دنیا بیاورد که مزاحم این قوم در زمین و بناها می گردد.

بنابر این در مورد حقوق زن، در ابتدا باید دیدگاه اسلام در خصوص طبیعت زن را دانست. دین اسلام، زنان و مردان را برابر می داند و قوانین اسلام، عموماً انسان را مورد حمایت قرار می دهد نه فرد یا گر معینی را. با این همه در مواردی از حقوق زنان بیش تر پشتیبانی کرده و مخصوصاً سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عدالت، مهربانی و نیک رفتاری با زنان را توصیه نموده و احادیث و سفارش های زیادی در این خصوص در مجامع روایی موجود است. در مسأله ازدواج که از نظر اسلام، بعد اخلاقی و تربیتی آن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

حق مالکیت: یکی از موضوعات مهم حقوقی، حق اداره اموال و دارایی است. قبل از اسلام، بسیاری از ملت ها، برای زن درباره مسائل اقتصادی و غیره مالکیتی قابل نبودند. بر این اساس آنان از ارث محروم بودند. در بعضی ملت ها اگر زن، دارای مال هم می شد، نمی توانست در اموالش تصرف کند، لذا بخشیدن، معامله،

قرارداد و خرید و فروش و غیره برای زنان ممنوع بوده است.

قرآن کریم در چنین شرایطی، دستور داد که زنان، درباره اموال و دارایی خود، مثل مردان، حق هر نوع

تصرف و مداخله را دارند؛ آنجا که می فرماید:

ص: 25

( لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ ) (1)

مردان را از آنچه کسب کرده اند بهره ای است و زنان را نیز از آنچه به دست آورده اند بهره ای می باشد.

حقوق خانوادگی: در روزگاری که برخی اقوام، برای زن، حق غذا خوردن و زندگی کردن با شوهر را در یک جایگاه نمی دادند، و آنان را همچون حیوانات به صورت قرض، هبه، کرایه و معامله با دیگران دست به دست نموده، کرامت و شخصیتش را آلوده و خرد می کردند، قرآن کریم این روش ظالمانه و افکار موهوم را محکوم کرده، زن را در حقوق خانوادگی نیز برابر با مردان دانست و فرمود:

( هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ ) (2)

زنان لباس شما و شما لباس زنان هستید.

یعنی زن و مرد برای همدیگر، مانند لباس وسیله زینت و موجب حفظ یکدیگر در برابر آفات گوناگون هستند و نباید تبعیض در بین آنها روا داشته شود.

اسلام برای زن ها حقوق خانوادگی حتی بالاتر از مردان را در نظر گرفته است که عبارتند از: حق انتخاب همسر، حق مهریه، حق نفقه، حق رفتار انسانی و شایسته شوهر با زن و حق مسکن.

برابری در حقوق اجتماعی: تساوی حقوق زن و مرد یکی از موضوعاتی است که از گذشته تا کنون بحث های زیادی درباره ی آن صورت گرفته است و نظرات مختلفی در رابطه با آن ارائه گردیده است. اسلام،

زنان را مطابق شرایط فطرت آفرینش بر برخی از امور اجتماعی، دوشادوش مردان، وارد اجتماع کرده است:

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بعد از فتح مکه، همان گونه که از مردان بیعت گرفت به زنان نیز امر فرمود که با روش

خاصی با آن حضرت بیعت کنند. این بیعت به دستور قرآن کریم بوده است که می فرماید:

( يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَاعِعَنَّكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ

أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايَعَهُنَّ وَاسْتَغْفَرَ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ

اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ) (3)

---

1- سورة نساء آيه 32

2- سورة بقره آيه 187

3- سورة ممتحنه آيه 12



ای پیامبر هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی نکنند، آلوده زنا نشوند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتزایی پیش دست و پای خود نیاورند، و در هیچ کار شایسته ای از فرمان تو مخالفت نکنند، با آنها بیعت کن، و برای آنها از درگاه خداوند طلب آمرزش نما که خدا آمرزنده و مهربان است.

امر به معروف و نهی از منکر، دو واجب عقلی، شرعی و انسانی و اجتماعی اند، که تمام اصلاحات اجتماعی روی این دو اصل مهم استوارند. قرآن کریم، زنان را نیز مثل مردان، در این فریضه مهم اجتماعی، شریک دانسته، می فرماید:

(وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) (1)

مردان و زنان با ایمان ولی (و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

در بررسی های قرآنی و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله به این نتیجه می رسیم که دین

اسلام سه نوع امتیاز برای زنان قایل شده است:

اول، ازدواج از نظر اسلام در عین این که پیوند معنوی و پرشکوه مرد و زن مسلمان است،

اقدامی در مسیر نظم جامعه و قرارداد عادلانه ای بین طرفین است.

دوم، رعایت احترام و ادب معاشرت در روابط زن و مرد است. با شناختی که اسلام از طبیعت

سرکش مردان دارد، در این مورد راه حل های عملی ارائه داده و صرفاً توصیه اخلاقی نکرده

است.

سوم، تنظیم روابط زناشویی است. زناشویی صرفاً اقناع غریزه جنسی نباید تلقی شود. انگیزه

های انسانی و تربیتی، علل و موجبات اساسی زناشویی است. دورنمای این مزایای سه گانه که

با یک نگاه کلی، می شود آن ها را به صورت یک اصل پذیرفت، نظر اسلام را نسبت به ارزش

مقام زن روشن می سازد.



مطالعه تاریخ تمدنهای گذشته حاکی از پرداختن انسان به رسوم و عادات شرم آوری بوده که انقلابات و تحولات اجتماعی نظیر اسلام سرانجام آن را از میان برده است. از جمله این عادات رفتار غیر انسانی مردان جاهلیت با زنان و دختران عشیره بوده که پیامبر با آن مبارزه کرده است. البته این مسئله در کثیری از اقوام و جوامع بوده است اما چون قرآن و تاریخ اسلام بیشتر در جامعه عربی گسترش پیدا کرد بیشتر در نمونههای خاص بررسی شده است. از دیدگاه قرآن زن در جامعه، مسلمان از همگی حقوقی که به مرد اختصاص داده شده، بهره مند است و اصولاً هیچ گاه تفاوتی اساسی میان زن و مرد وجود ندارد. آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران و مادر عیسی علیه السلام نمونه پاکدامنی و استقامت در برابر شداید و سختیها معرفی شده اند.

باید دانست که دیدگاه برخی از جریانها و طیفهای اسلامگرا نسبت به زن با تعالیم اسلامی ربطی ندارد و نشانه بی اطلاعی و بی خبری این گروههای متعصب و بیگانه از آموزه های اسلام است. این گروهها برای زن همان حقوقی را قایلند که در دوره جاهلیت قایل بودند، اینان به دستور پیامبر و تعالیم قرآن در موضوع برابری زن و مرد تسلیم نمی شوند و تنها به ظواهر دین پایبندند و با برداشت سطحی و ناقصی که از دین اسلام دارند مقام عالی و با عظمتی را که قرآن به انسان اعم از مرد و زن ارزانی داشته هرگز درک نکرده اند و در نتیجه با تدرویهای ناشایسته ای به قضاوت درباره زن میپردازند باید دانست سخنانی نظیر بهشت زیر پای مادران است یا بهترین شما کسی است که با همسر خود به مهربانی رفتار کند هرگز بر زبان پیامبری که برای زن ارزش ملکوتی قایل نباشد جاری نمی شود. در کدام نظام و ساختار اقتصادی از حق مالکیت، زن همچون اسلام حمایت شده است؟ مجاهدت های پیامبر صلی الله علیه و آله در دفاع از آزادی و حقوق اقتصادی و اجتماعی زن، در صدر اسلام نشان داده است واقعا شگفت انگیز است. ظهور اسلام مقارن با فرمانروایی

امپراتوران روم و ایران بود که اصولاً مرد و زن از آزادی و عدالت بی بهره بودند.

ص: 28

(إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا) (1)

همچنین در زندگی دینی، از برابری زن و مرد سخن رفته است: «مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان پرهیزکار و زنان پرهیزکار، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاک دامن و زنان پاکدامن، مردانی که خدا را فراوان یاد می کنند و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند؛ خدا برای همه ایشان آمرزش و پاداش بزرگ فراهم ساخته است.»

در جای دیگر، قرآن می گوید: «مردان و زنان باایمان، دوستان یک دیگرند. همدیگر را به کارهای پسندیده وامی دارند و از انجام کارهای ناپسند بازمی دارند، نماز را برپا می دارند و زکات را می پردازند، و از خدا و پیامبرش فرمان می برند.»

وظایف و مسئولیتهای اخلاقی و فردی زن و مرد یکسان است: «هر که بدی کند، جز به مانند آن کیفر نمی یابد؛ و هر کس کار شایسته کند، چه مرد باشد و چه شد، و به خدا ایمان داشته باشد، به بهشت در خواهد آمد و در آنجا روزی بی اندازه خواهد یافت.»

همچنین در قرآن به برابری پاداش در زندگی بازپسین آشکارا تصریح شده است.

پیامبر اسلام، به زنان اجازه داد که به مساجد بروند؛ هرچند در حدیث آمده است که خانههایشان برایشان از مساجد بهترند.



زن در اسلام همان مقام شامخ انسان را دارد و خداوند درباره ی زن و مرد تفاوتی قائل نشده است، مقام خلیفه الهی هم مقامی است که به انسان داده شده است پس در این خصوص هم تفاوتی بین زن و مرد نیست. این دو گروه، مسولیت های مشترکی هم در اداره ی جامعه دارند که به بخش مربوط به زنان را در اینجا مورد اشاره قرار می دهیم.

### حقوق اجتماعی، سیاسی زن

زمانیکه که گفته می شود زن مرکز کانون خانواده و حرارت بخش فضای خانه و صفابخش روحیه همسر و افراد خانواده است، این تصور به ذهن خطور می کند که پس جایگاه زن در جامعه و سیاست کجا است. در حالی که زنان به عنوان قسمتی از افراد جامعه انسانی، سهم بسزایی در تاریخ جوامع و ملت ها ایفا کرده و می کنند و اسلام نیز هم پای تاریخ به حضور زن در این عرصه ارج نهاده، آن را ستوده و به ارتقای چنین حضوری اندیشیده است.

تاریخ اسلام مملو از حوادثی است که زنان آفریدگار آن بوده اند. آنگاه که پیامبران الهی دست بیعت به سوی انسانها دراز کردند، زنان نیز در خیل مؤمنان نقش آفرین بوده اند؛ «بیعه النساء» «عقبه اولی» در زمانی که اوج فشار از کافران بر مسلمانان وارد می شد، بیانگر نقش

انکارناپذیر زنان در تاریخ اسلام است. در این بیعت زنی به نام عفره دختر عبیده بن ثعلبه حضور داشت و در عقبه ثانی نیز چند زن با نامهای نسیمه دختر حارث انصاری و خواهرش، نسیمه دختر کعب از بنی خزرج، ام منیع و اسماء دختر عمرو بن عدی حضور داشتند که در شب سیزدهم ذی الحجه به همراه سایر بیعت کنندگان مخفیانه در منی نزد پیامبر آمدند و با آن حضرت بیعت کردند مبنی بر این که همان گونه که از فرزندان و خانواده خویش دفاع می کنند از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دفاع کنند.

در بیعت رضوان نیز سه نفر از زنان در منابع تاریخی ذکر شده است: ربیع بنت معوذ، ابن هشام انصاریه و نسبیه دختر حارث. شیخ مفید در شرح این پیمان که در حادثه صلح حدیبیه صورت گرفت، می فرماید: حضرت علی (علیه السلام) عهده دار اجرای این بیعت بودند به این صورت که لباسی را پهن کردند و زنان به عنوان بیعت بر آن لباس دست می کشیدند و سپس

ص: 30



پیامبر(صلی الله علیه و آله) بر آن لباس دست می کشیدند و بدینسان بیعت واقع گردید. آیه 12 سوره «ممتحنه»

مفاد بیعت دیگری را بیان کرده که میان زنان و پیامبر(صلی الله علیه و آله) واقع شد. این بیعت در جریان فتح

مکه و با حضور وسیع زنان صورت پذیرفت. در روز غدیر خم نیز زنان همپای مردان در بیعت

با امیر مؤمنان شرکت داشتند. و بالاخره پشتوانه خلافت آن حضرت نیز بیعت مردم از جمله

زنان بود. و در روایتی از امام باقر(علیه السلام) نقل شده که در بیان گروندگان به حضرت ولی

عصر(عجل الله تعالی فرجه) نیز پنجاه زن وجود دارد که بین رکن و مقام در مسجدالحرام با آن حضرت بیعت

می کنند.

قرآن کریم زنان مؤمن را نیز همچون مردان مکلف ساخته است که در شرایطی که جامعه دچار

آلودگیهای معنوی شدید شده است، به سرزمینی که قانون خداوند اجرا می شود مهاجرت

کنند، مگر آنانی که از اجرای چنین حکمی معذورند. زنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) همه از مهاجرین بودند.

در هجرت به حبشه 18 زن حضور داشتند که اسماء بنت عمیس، ام سلمه و رقیه دختر رسول

خدا از جمله آنان بودند. در میان زنان مهاجر به مدینه فاطمه بنت اسد، مادر امیر مؤمنان(علیه

السلام) نیز بود. طبق فرمایش امام صادق(علیه السلام)، وی اولین زنی بود که به سوی پیامبر(صلی الله علیه و آله) پیاده

از مکه به مدینه هجرت نمود. در این هجرت، زینب دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و فاطمه زهرا(سلام الله علیها)

(همسر امیر مؤمنان) دختر دیگر آن حضرت نیز از جمله مهاجران فی سبیل الله به حساب

می آیند.

اگر جهاد را از بارزترین جلوه های سیاست دینی به حساب آوریم، حضور زنان به عنوان

آب رسانی، پرستاری، تدارکات جنگ و انتقال اجساد حضور چشم گیری است و در مواردی

نیز که امر دفاع از پیامبر حضور آنان را می طلبیده از آن دریغ نمی کرده اند. حضور مؤثر

فاطمه زهرا(سلام الله علیها) در شعب ابی طالب و مساعدتهای او به پیامبر(صلی الله علیه و آله) تا بدان جا که به «ام

اینها» لقب گرفت؛ حضور وی در جنگهای احد و خندق و نیز فتح مکه؛ خطبه های آن

حضرت پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله)؛ مناظره های آن حضرت با انصار مدینه و موارد بسیاری دیگر،

همگی بیان گر نقش زن مسلمان در عرصه سیاست و اجتماع است. نقش مؤثر ام سلمه، همسر

پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در جنگ ناکثین (جمل) و همراهی او با امیرالمؤمنین (علیه السلام) و دفاع او از ولایت و

ص: 31

تحریر فرزندانش به پیروی از حضرت و سر نهادن به ولایت او؛ نقش آفرینی ام الفضل به عنوان نیروی اطلاعاتی در خدمت امیر مؤمنان در این جنگ؛ سخنرانیهای سیاسی ام الخیر با رقیه در جنگ صفین در تحریک سپاه علی(ع) به حمایت و فرمان برداری از آن حضرت و نیز سوده همدانی از مظاهر جایگاه سیاسی زن مسلمان هستند نقش زنان در قیام حسین بن علی (علیه السلام) نیز به خوبی بیانگر این حقیقت است؛ زینب(سلام الله علیها) دختر امیر مؤمنان(علیه السلام) در کربلا، شام و کوفه، حادثه ای در تاریخ رقم زد که تا ابد بر تارک آن خواهد درخشید.

حضرت زینب (سلام الله علیها) را عناوین و جایگاه اجتماعی و از خاندان معروف و مشهور بودن و ویژگیهای منحصر بفرد برگرفته از جدش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و پدرش امیر مؤمنان (علیه السلام) و پس از آن از دو برادرش حسن و حسین (علیه السلام) و در سایه همسر و پسر عمویش عبدالله بن جعفر طیار که از اشراف و بزرگان عرب که محل رفت و آمدن نیازمندان، بود، را از قیام و خروج پر مشقت و درد منع نمی کرد.

این عناوین و اعتبارات او را به راحت طلبی و تجمل گرایی نکشاند بلکه او با برادرش امام حسین (علیه السلام) برای اجرای دومین بخش نهضت خارج شد پس از آنکه امام (علیه السلام) بخش اول را با شهادت خود در روز عاشورا به سرانجام رساند رسالت خود را به بهترین وجه ادا کرد و در مقابل اشرار خلاق که بر سرنوشت مردم سلطه انداخته بودند مانند یزید، ابن زیاد، و پیروان پست آنها ایستاد، و جان خود را بارها و بارها برای فدا شدن و انتقام در معرض خطر قرار داد.

او این عمل پر برکت را از مادرش حضرت زهرا (سلام الله علیها) که پایه گذار حرکت بصیرت افزا و اصلاح و ایستادگی در مقابل ظلم و بی عدالتی و انحراف و فساد بود به ارث برد.

راز جاودانگی حضرت زینب (سلام الله علیها)، قیام با اخلاص، فداکاری، از خودگذشتگی و مشارکت او

با برادرش امام حسین (ع) برای خداوند در راه اصلاح امت از انحرافات که در آن رخ داده

است بود.

قیامی که خداوند متعال به آن دعوت کرده است (بگو که من به یک سخن شما را پند می دهم

و آن سخن این است که شما خالص برای خدا دو نفر دو نفر با هم یا هر یک تنها قیام کنید). (1)

و سخن خداوند متعال (ای کسانی که ایمان آورده اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید به

سوی چیزی که شما را حیات می بخشد!) (2)

و کسانی که برای او قیام کردند در هر اندازه باشند همانند اصحاب کهف را ستایش کرد و

آنها را اینگونه توصیف کرد (جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایت

آنها افزودیم و دل‌هایشان را قوی نمودیم که قیام کردند و گفتند: پروردگار ما، پروردگار

آسمانها و زمین است). (3)

و قیام آنها و اعلام یکتاپرستی در برابر قدرتمندترین امپراطوری آن روزگار که قدرت و سلطه

خود را بر بسیاری از مردم تحمیل کرده بود، خدا این موقعیت و جایگاه را برای آنها به وجود

آورد.

اینها و نمونه های بسیاری دیگر، زنانی بوده اند که در راه صلاح جامعه و تسهیل اجرای اهداف

نبوت و ولایت شکنجه ها، رنج ها و مشقتها و حتی شهادتها را بر خود هموار کردند.

شهادت سمیه، اول شهیده اسلام، که به فرموده امام عسگری (علیه السلام) مشمول آیه شریفه «وَمِنْ

النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» است و شکنجه هایی که ام شریک توسط مشرکان

مکه به جان خرید و شهادت ام فروه انصاریه به جرم ولایت علی (علیه السلام) نمونه هایی از

---

1- سورة سبأ آية 46

2- سورة أنفال آية 24

3- سورة كهف آية 13-14

بسیار زنانی اند که در عرصه اجتماع دینی ایفای نقش کرده و تاریخ را به نام خود مزین کرده اند. نقشی که ام سلمه پس از رسول خدا در دفاع از ولایت ایفا کرد ستودنی است. وی در دفاع از خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجد و در اعتراض به غصب فدک و مقابله با اسائه ادب خلیفه به آن بانوی بزرگوار، کار را به جایی رساند که به قطع مقرری یک ساله وی از بیت المال منتهی شد.

او امین اسرار رهبران سیاسی الهی آن دوران بود، همچون فاطمه بنت الحسین که به فرموده امام باقر (علیه السلام): «امام حسین (علیه السلام) آنگاه که زمان شهادتشان نزدیک شد دختر خود فاطمه را خواندند و کتابی را که در هم پیچیده شده بود و نیز وصیتی ظاهری را به او سپردند.» و یا آنگاه که امام موسی کاظم (علیه السلام) با فشار و تهدید خلیفه ستمگر عازم عراق گردید، مواریث امامت و رهبری را به ام احمد سپرده، فرمودند: «هرگاه کسی به نزد تو آمد و این امانت را از تو طلب نمود، بدان که من به شهادت رسیده ام و او پس از من رهبر و امام امت و اطاعت او بر تو و بر سایر مردم واجب می باشد.» هنگامی که آن حضرت در بغداد مسموم شد، امام رضا (علیه السلام) نزد ام احمد آمده، از او مواریث امامت را طلب نمودند. آن بانوی بزرگوار، امانت را به امام (علیه السلام) داد و با آن حضرت بر رهبری بیعت نمود.

بنابراین، اگر احکامی محدودکننده در اسلام نسبت به زنان وجود دارد، هرگز به معنای نادیده گرفتن توانایی های این بخش از اجتماع در اداره جامعه و نقش آفرینی اجتماعی آنان نیست.

## حجاب و زنان

حجاب اصطلاحی دینی به معنای پوشاندن برخی از نقاط بدن زنان و مردان در شریعت اسلامی. حجاب در ادیان و اقوام پیش از اسلام وجود داشته و آیاتی در قرآن و احادیثی از ائمه (علیهم السلام)، از وجوب و اهمیت آن سخن گفته اند.

حکم حجاب در فقه در بخش نماز و نکاح مطرح شده است. این حکم از دیدگاه فقها

از احکام ضروری دین اسلام است. در باور مسلمانان، ایجاد امنیت روانی و حفظ سلامت

ص: 34

اخلاقی جامعه از حکمت‌های واجب شدن حجاب است. فقیهان با توجه به جمله «و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن» در آیات متعدد و روایات، به وجوب حجاب برای بانوان فتوا داده اند. آیات ذیل را در اینخصوص مورد اشاره قرار می دهیم:

(وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ ۖ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)

و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را از هر نامحرمی [فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان... آشکار نکنند؛ و پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید. و در این آیه معروف به آیه «خمار» می فرماید: «زنان روسری خود را پشت سر نینداخته، گردن و بالای سینه خود را بپوشانند.» در ادامه این آیه به زنان هشدار می دهد که محکم بر زمین راه نروند تا صدای زیورهای مخفی آنان به گوش نرسد. به راستی چگونه خواهد بود که رساندن صدای زینت به گوش نامحرمان حرام باشد و عیان ساختن آنها و نمایش بدنهایشان حرام نباشد؟

(وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ) (1)

ص: 35



و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید؛ این برای دلهای شما و دلهای آنان پاکیزه تر است.

خداوند متعال در این آیه موسوم به آیه حجاب، مؤمنان را مکلف ساخته است که با زنان پیامبر از پشت پرده و مانع سخن بگویند. هرچند ممکن است تصور شود این حکم به زنان پیامبر اختصاص دارد، اما تعلیل موجود در ادامه آیه عام است و شامل سایر زنان نیز می شود. در این بخش از آیه می فرماید: «رعایت این مسأله برای پاک ماندن دلهای شما و زنان مناسب تر است.»

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا) (1)

ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: «پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند به احتیاط نزدیکتر است، و خدا آمرزنده مهربان است.

در این آیه که به آیه «جلباب» معروف است، فلسفه حجاب را امنیت اجتماعی زنان بر شمرده، می فرماید: رعایت این دستور اسلامی برای این که به ایمان و پاکدامنی شناخته شوند و مورد اذیت واقع نشوند مناسب تر است.

بنابراین، دانسته می شود که حجاب نشانه شناسایی است نه عامل دوری از جامعه. این آیه نمی گوید حجاب برای آن است که زنان شناخته نشوند، بلکه می گوید برای آن است که شناخته شوند؛ یعنی دیگران آنها را به پاکدامنی و عفت بشناسند و متعرض آنان نشوند. در آیه (وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ



بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (1) برخی از محدودیت ها از زنان مسن که دیگر

مورد رغبت و تمایل جنسی مردان نبوده و امیدی برای ازدواج ندارند، برداشته شده به آنان

اجازه داده شده است لباس خود فروگذارند در حالی که اگر همانان نیز به عفت و پاکدامنی

بگروند برایشان بهتر خواهد بود این آیه به خوبی دلالت دارد که بر زنان غیر یائسه جایز

نیست لباس خود را فرو گذارند و بدن و زیور آلات خود را به نامحرمان نمایش دهند.

## فلسفه حجاب

با تأمل در حکمت تشریح حکم حجاب - که به تصریح آیات قرآن و احادیث، ایجاد امنیت روانی و حفظ

سلامت اخلاقی جامعه و ارزش گذاری عفاف و حیاست - گوناگونی مراتب احکام حجاب به خوبی قابل

تحلیل است. تأکید قرآن و احادیث و متون فقهی بر اکتساب و تقویت ملکه عفت و تقوا، ضرورت رعایت

حیا و عفاف در مناسبات زن و مرد غیر محرم، و حرمت برخی امور (همچون قرار گرفتن زن و مرد غیر محرم

در یک محیط بدون امکان ورود شخص دیگر نهی شدید از چشم چرانی، مردان و جوب ستر برای زن در

برابر غیر محرم و پرهیز او از هرگونه رفتار تحریک آمیز در محیط جامعه از قبیل تبرج یا سخن گفتن مهیج)

بیانگر ارتباط وثیق عفاف و حیا با حجاب است.

در این جا به بیان برخی از حکمتهای این حکم الهی میپردازیم:

پایداری: خانواده حجاب یکی از عوامل مؤثر در حفظ کیان خانواده است و به دلیل

آن که خانواده هسته مرکزی اجتماع به حساب می آید، تأثیر این عامل را باید در

نهایت به نفع اجتماع نیز دانست اگر حجاب با کیفیت خاص خود در خانواده برقرار

باشد و زن به جز مرد خود به کسی نگاه نکند و تمام توجهش به مردش باشد؛ عشق

و محبت خود را در او خلاصه خواهد کرد و مرد هم اگر این طور باشد؛ زندگیشان

بسیار شیرین و با صفا خواهد شد آزادی بی قید و بند زن در خودنمایی و تحریک

مردان بیگانه با حجاب محدود میشود و این خودنمایی و تحریک از خارج به داخل

خانه انتقال می یابد و در راه همسر و ارضای نیازهای او به کار گرفته می شود که در  
نهایت تحکیم هرچه بیشتر بنیان روابط زناشویی را به همراه خواهد داشت. احساس

ص: 37

---

1- سوره نور آیه 60

نیاز به جلب نظر و جلوه‌گری آنگاه که در خارج از خانه کاملاً پاسخ داده شود، جایی برای ارضای آن در درون خانه و برای همسر نخواهد ماند و این سردی ارتباطات همسری را به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر، زنی که تمام دل مشغولی او خارج از خانه است، در رابطه با فرزندان نیز عنصر موقتی نخواهد بود.

امکان سقوط اخلاقی زن: خودنمایی زنان در برابر بیگانگان در نهایت، امکان سقوط اخلاقی زن را افزایش خواهد داد؛ زیرا هر اندازه زن در برابر مردان بیگانه بیشتر جذاب و چشم‌گیر جلوه نماید، خواستها و تمجیدها و پیشنهادهای هوسرانان را به سوی خود افزایش خواهد داد.

• حجاب مصونیت است نه محدودیت: از نظر اسلام، حجاب وسیله‌ای است برای صیانت از زن و ارتقای شأن و شخصیت اوست لذا اگر حجاب رعایت نشود علاوه بر سقوط اخلاقی زن، باید سقوط اخلاقی مردان در دام مزاحمت‌های خیابانی، هرزگی‌ها و نظایر آن را نیز از پیامدهای آن به حساب آورد. چه بسیار مردانی که در محیط بی حجاب به ورطه بی بند و باری اخلاقی کشیده شده‌اند.

عامل انحراف جنسی: اگر روابط جنسی نامشروع را بررسی کنیم، بدون شک عامل خودنمایی و جلوه‌گری زنان از مهم‌ترین عوامل آن بشمار می‌آید. بدون شک زنان می‌توانند با رعایت پوشش مناسب و حریم‌نگه داشتن در روابط اجتماعی خود در این خصوص نقش مهمی را ایفا کنند.

### **تفاوت‌های طبیعی در خلقت زن و مرد**

از دیدگاه اسلام، انسان به عنوان یکی از مخلوقات و عضو شاخص عالم خلقت است، و به زیباترین صورت آفریده شده و آنچه که لازمه وجودی او بوده است خدای متعال به او داده و ارزانی داشته است:

« لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ » (1) و او را چه زن و چه مرد به نیکوترین و بهترین وجه به تصویر کشیده است و نقصی در آفرینش آنها نیست و « صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ » (2) بنابراین سخن از تساوی و تفاوت زن و مرد صحبتی است نا آگاهانه و مقایسه این دو نشان از عدم شناخت و فهم صحیح از آفرینش و نظام خلقت جهان است در حقیقت آنچه را که خداوند متعال آفریده است زیبایی و جمال و جلال است و تفاوتها لازمه ی آفرینش آنها است؛ بلکه اساسا تفاوتها زیباییها را نمایان می کند چرا که اگر تفاوتها نبود رنگ و بوهای متفاوت مخلوقات که مظهر زیبایی هستند نمایان نمی گشت. باید گفت تفاوتهای طبیعی بین زن و مرد انکارناپذیر است هر چند ممکن است در میزان این تفاوت ها و میزان تأثیرگذاری آنها در نحوه تنظیم قواعد و مقررات حاکم بر آنها اتفاق نظر نباشد. آنچه مسلم است این که این تفاوتها به حدی است که میتواند بسیاری از تفاوتهای موجود در احکام زن و مرد را توجیه کند.

اما این تفاوتها به هیچ وجه به این که مرد یا زن جنس برتر است و دیگری جنس پایین تر و پست تر و ناقص تر مربوط نمی، شود قانون خلقت از این تفاوتها منظور دیگری داشته است. قانون خلقت تفاوت های زن و مرد را به منظوری شبیه منظور اختلافات میان اعضای یک بدن ایجاد کرده است... در دنیای جدید در پرتو مطالعات عمیق، پزشکی، روانی، اجتماعی تفاوتهای بیشتر و فراوانتری میان زن و مرد کشف کرده است که در دنیای قدیم به هیچ وجه به آن پی نبرده بودند.

### **حکمت برخی از تفاوتها در نظام حقوقی اسلام**

اسلام برای زن و مرد در همه موارد یک نوع حقوق و مجازات و وظیفه قائل نشده است، بلکه در بعضی موارد برخی از، حقوق تکالیف و مجازاتها را برای مرد مناسب دانسته و بعضی را برای زن در برخی موارد وضع مشابه و یکنواخت و در موارد دیگر وضع نامشابه یعنی عدم یکنواخت بودن را در نظر گرفته است این نوع اختلاف و تفاوت به طور کلی نه تنها به معنای توهین و تحقیر بر زن نمی باشد، بلکه برعکس برای حفظ حرمت و شخصیت او است زیرا وظایف او را مطابق با ساختار جسمی و وضع

روحی اش معین می نماید. بر همین اساس اسلام در اصل خلقت و آفرینش هیچ امتیازی بین زن و مرد

ص: 39

---

1- سوره تین آیه 4

2- سوره تغابن آیه 3

نمی بیند، اما از نظر حقوق و وظایف یکنواخت بودن را بر خلاف فطرت آفرینش هر یک از زن و مرد می - داند.

تفاوت های موجود بین زن و مرد، هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی امری طبیعی است، و برای کمال آفرینش و رفع نیازمندی های نوع انسانی لازم است و چنین تفاوت هایی در میان خود مردان نیز به چشم می خورد؛ برای نمونه: همه انسان ها در اصل داشتن استعداد با هم مساوی اند، ولی در خصوصیت آن، بر اساس حکمت الهی، متفاوت از هم آفریده شده اند، تا با شکوفا شدن این استعدادهای مختلف، نیازمندی های اجتماعی انسان، در زمینه های متعدد تأمین گردد، جامعه نیازمندی های مختلف دارد، هم در زمینه مواد غذایی، هم بهداشت، هم نیروی کار و... حکمت پروردگار، ایجاب نموده است که برای تأمین این نیازمندی ها، انسان ها را با استعدادهای گوناگون بیافریند، تا با شکوفا شدن این استعدادهای مختلف، جامعه برآورده گردد. بر همین اساس در یکی استعداد دکتر شدن، در دیگری استعداد کشاورزی یا مهندسی و... بیشتر وجود دارد و هر کدام بر اساس استعدادس که دارد به انجام کار مورد علاقه خود می پردازد و به همین مقدار نیازهای اجتماعی برآورده می شوند.

همانگونه که تفاوت، در ویژگیها و استعدادهای، مایه برتری انسان بر انسانی دیگر نمی باشد؛ آفرینش طبیعی مرد و زن نیز چنین است که در اصل انسانیت مشترکند، ولی از نظر طبیعت آفرینش، با هم تفاوت می کنند و این تفاوت در خصوصیت مرد بودن و زن بودن برای تکمیل آفرینش و رفع نیازمندی های طبیعی زندگی و کمال یافتن حیات اجتماعی است، زیرا اختلاف در خصوصیت آفرینش، بقای نسل انسان را تضمین، و زمینه ایجاد محبت در اجتماع و حرکت و تلاش به سوی کمال را فراهم می سازد. اگر غیر از این می بود جهان آفرینش ناقص می گردید و کمال اجتماعی در همین است که هم مرد باشد و هم زن، و هرکدام مشغول به وظایف مربوط به خودش باشد و نظام احسن تکوین و تشریح خداوند، اقتضای چنین طراحی و ترسیمی را از جایگاه و نقش مرد و زن داشته است. علاوه بر اختلاف جسمی، از نظر روحی نیز تفاوت هایی در آفرینش این دو جنس وجود دارد که آن هم به دلیل کمال حیات اجتماعی است.





حال ممکن است گفته شود: چرا قرآن کریم در بعضی از آیات مردان را بر زنان برتری داده و می

فرماید: (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ) (1)؛ آیا این امر به کرامت زن لطمه نمی -

زند؟

پاسخ: قیم به کسی گفته می شود که امور مهم فرد دیگری را انجام دهد و مراد از (ما فضل الله) در آیه

امتیازی طبیعی است که مردان بر زنان دارند؛ یعنی قدرت بدنی و تحمل شداید و کارهای سخت، و زندگی

زنان احساسی و عاطفی است که بر نازک دلی و ظرافت مبتنی می باشد. بنابراین با توجه به تفاوت جسمی

و روحی که میان زن و مرد وجود دارد، هرکدام دارای وظیفه مشخص و معینی در امور خانوادگی و

اجتماعی اند که اگر وظایف مرد به زن و بالعکس داده شود یا تساوی در تمام کارها باشد، مخالف با فطرت

آفرینش و برخلاف عدالت انسانی است، لذا هر کدام باید به وظیفه خود عمل کند، تا از مزایای وجودی

خویش بهره مند گردد.

اسلام با رعایت همین عدالت در برخی کارهای اجتماعی که نیاز به دقت بیشتر دارد، مانند سرپرستی کانون

خانواده و غیره، مرد را بر زن مقدم داشته است. در نتیجه این تقدم یا قوام بودن مرد بر زن، نه برای برتری

مرد در اصل خلقت، بلکه به دلیل وظیفه طبیعی و توان مندی جسمی مرد است، چون در مسائل اجتماعی و

شم اقتصادی، تلاش و کوشش برای تأمین نیازمندیهای لازم و اداره زندگی را مرد بهتر می تواند به عهده

بگیرد. از این لحاظ است که مهریه و نفقه زن برعهده مرد گذاشته شده است. همانگونه که زن در امور

تربیت و پرورش فرزند و مدیریت خانواده و سیراب کردن فرزندان از مهر و محبت بی نظیر است و مرد از

چنین توانایی برخوردار نیست.

در دست مرد بودن طلاق

از دیگر سؤال ها که ممکن است مطرح شود این است که: چرا طلاق فقط در اختیار مردان است و زنان از

داشتن آن محرومند. آیا این محرومیت، به حقوق و کرامت زن لطمه ای وارد نمی کند؟

پاسخ: اولاً طلاق از منفورترین امور و مبعوض ترین حلال ها در اسلام است، چنانکه از امام صادق (علیه السلام)

روایت شده که فرمود: «و ما مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الطَّلَاقِ».

از این رو گاهی در زندگی خانوادگی مواردی پیش می آید که تنها راه رسیدن به آسایش مرد و زن، و رفع اختلاف آنان، جدایی و طلاق است. برای همین جهت اسلام طلاق را مشروع، ولی از مبغوض ترین حلال

ص: 41

---

1- سوره نسا آیه 34

ها قرار داده است و در عین حال تدابیر لازم را برای جلوگیری از شیوع طلاق در جامعه اتخاذ نموده است. ثانیاً، محرومیت زن از حق طلاق نه تنها لطمه به کرامت آنها، نیست بلکه خود این محرومیت، وسیله حفظ کرامت و حقوق زن و حفظ کانون گرم خانوادگی است.

دلیل این امر این است که همانگونه که اشاره شد هر چند زن و مرد در اصل خلقت مساوی اند ولی در مزاج و نوع خلقت با هم متفاوت آفریده شده اند و همانگونه که از نظر جسم متفاوتند از نظر نوع صفات روحی نیز متفاوت خلق شده‌اند و این تفاوت برای ادای وظیفه است که به عهده هر یک از زن و مرد گذاشته شده است. بر این اساس وظیفه زن مادری است؛ یعنی انتقال مهر و عاطفه بر فرزندان. از همین رو زن بیشتر با احساسات و عواطف آفریده شده تا عاطفه را به فرزندان منتقل کند و اگر این وظیفه درست انجام نشود اختلال در تکامل اجتماع انسانی به وجود می‌آید.

دانشمندان علم اجتماع و روان‌شناسان معتقدند که اخلاق زن و مرد به کلی با هم متفاوت است؛ زنان به زود رنجی و متأثر شدن از چیزهای کوچک عادت دارند ولی گذشت مردان در همه امور بیشتر است. بنابراین اگر اختیار طلاق به دست زنان میبود با کوچکترین مسأله ای ممکن بود به طلاق اقدام نموده و با از هم پاشیدن کانون گرم خانواده موجب سلب آسایش خود و دیگران میشدند در نتیجه هم کرامت خود را پایمال میکردند و هم به حقوق اساسی خود لطمه میزدند زیرا در مسأله طلاق بیشترین صدمه بر کرامت، حقوق و ارزش خود زنان وارد میشد اما در مقابل چون مردان از صبر و حوصله بیشتری برخوردارند و در آنها تعقل بر عواطف غلبه دارد و با اندک مسأله ای به فکر جدایی نمی‌افتند، لذا شارع مقدس که تمام احکام را بر اساس مصالح و مفاسد نوعی وضع نموده است اختیار طلاق را به دست مردان قرار داده است. البته اسلام این مسأله را نادیده نگرفته است که با انحصار طلاق به دست مردان ممکن است عسر و حرج در زندگی برخی از زنان به وجود آید. بر این اساس در مواردی که لازم باشد برای زن حق فسخ نکاح را از طریق بذل مهر یا اموال دیگر قرار داده است که در فقه اسلامی به طلاق خلع یاد می‌گردد و نیز در صورت لزوم زن میتواند به حاکم شرع مراجعه کند که با ثابت شدن عسر و حرج، حاکم

شرع اقدام به طلاق زن می‌کند هم چنین در مواردی که شوهر نتواند نفقه و وسایل آسایش ضروری زن را فراهم کند او میتواند از طریق مراجعه به حاکم شرع مرد را مجبور به پرداخت نفقه یا طلاق نماید.

در باب طلاق هم اگر درست، بنگریم برای زن و شوهر هر دو حقوقی در نظر گرفته شده است. ازدواج در حقیقت نوعی قرارداد است که زن و شوهر آن را امضا میکنند این قرارداد در مواردی که یکی از طرفین به شرایط آن عمل نکند قانونا نافذ نخواهد بود و اعتبار خود را از دست میدهد، قرآن، درست هنگامی که

عقد زناشویی به این مرحله از تزلزل برسد و تداوم زندگی مشترک ممکن نباشد، موضوع طلاق را (آن هم با شرایط عادلانه و در چند مرحله) مطرح می سازد.

تفاوت ارث زن با مرد

از جمله اشکالاتی که طرفداران برابری همه جانبه حقوق زنان با مردان مطرح می کنند، موضوع ارث زن در اسلام است؛ اینان می گویند: چرا اسلام ارث زن را که ناتوان تر از مرد است، نصف مرد قرار داده است؟ آیا این ظلم به زن نیست؟ قرآن کریم می فرماید: (لِلذَّكَرِ مِثْلُ مِثْلِ الْأُنثِيَيْنِ) (1)؛ برای مرد مثل سهم دوزن می باشد. شبهه این است که تفاوت در ارث، ظلم به زنان است و این تفاوت برخاسته از نگاه تحقیر آمیز جامعه اسلامی به آنان است و به تعبیر دیگر نشانه آن است که زنان را نیمی از انسان می دانند.

پاسخ: در ابتدا باید گفت زن در میان فامیل، گاهی به عنوان مادر ارث می برد و گاهی به عنوان فرزند، گاهی همسر و زمانی به عنوان خواهر. در اغلب موارد سهم زن نصف مرد است، ولی در مواردی نیز مساوی و یا بیشتر است. مسئولیت های مالی مردان مثل پرداخت مهریه، نفقه زنان، دیه (در جنایت های خطایی) به عنوان عاقله و جهاد و هزینه های آن و آمادگی بیشتر مردان برای فعالیت اقتصادی و گردش سرمایه، موجب شده است تا در یک سری از حالات سهم بیشتری ببرند تا در حقیقت از این طریق چرخ اقتصاد جامعه بهتر بچرخد و هزینه زندگی مردان و زنان مربوط به آنها از راه مناسب تری تأمین گردد. در ادامه خاطر نشان می شود که توارث پدیده دیرینه ای است و به تاریخ حیات انسان برمی گردد و نیز توارث مانند دیگر سنتهای اجتماعی دارای تحول تدریجی بوده است. چیزی که در اکثر دوره های کهن، انکارناپذیر است محروم ساختن زنان از ارث بوده، خواه بدان جهت که آنها را انسان نمی دانستند تا سهم ببرند، یا این که ارث بردن زن را به معنای انتقال ثروت خانواده به دیگری می دانستند، زیرا زن با ازدواج، از عضویت خانواده خارج می شود، یا بدان جهت که زن، مرد میدان نیست و هزینه مرد بر دوش او نیست تا سهم بر باشد و....

به این ترتیب در بسیاری از مناطق، قبل از اسلام اصلاً حق ارث برای زن ها قائل نبودند.

اسلام با ظهور خود بر این سنت ها خط بطلان کشید و زن را مانند مردان مستحق ارث دانست. در قانون

اسلام زن و مرد بر اساس موقعیت خود در خانواده ارث می برند، ملاک ارث انوئیت و ذکوریت نبوده است، بلکه با توجه به این که مهریه و نفقه برعهده مردان است و نیز جهاد و هزینه جنگ و نیز دیه عاقله برعهده مردان است، بدین جهات تفاوت در ارث زن و مرد وجود دارد. با این حساب هر چند از نظر ظاهر

ص: 43

---

1- سوره نسا آیه 11

ارث مرد دو برابر زن، است اما با دقتی بیشتر روشن میشود که از یک نظر ارث زنان دو برابر مردان می - باشد، زیرا وظایفی را که به عهده مردان گذاشته است نیمی از درآمد آنان در عمل خرج زنان می شود، در حالی که بر عهده زنان چیزی گذاشته نشده است. مرد باید هزینه زندگی همسر خود را طبق نیازمندی او از مسکن، خوراک، لباس و سایر لوازم پردازد و هزینه زندگی فرزندان خردسال نیز به عهده مرد است، در حالی که زنان از هرگونه پرداخت هزینه ای حتی برای خودشان معاف میباشند. بنابراین یک زن می تواند تمام سهم ارث خود را پس انداز کند در حالی که مرد ناچار است آن را برای خود و همسر و فرزندان خرج کند و نتیجه عملیاش این میشود که نیمی از درآمد مرد برای زن خرج میشود و نیمی برای خودش، در حالی که سهم زن همچنان به حال خود باقی میماند.

در روایاتی که از معصومین (علیهم السلام) به دست ما رسیده است به عواملی در مورد ارث زن ها اشاره شده است.

در روایتی که از امام رضا (علیه السلام) در جواب سؤال محمد بن سنان نقل شده است امام (علیه السلام) در مورد این که به چه دلیل زنها نصف سهم مردان ارث می برند، می فرماید:

«لِأَنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا تَزَوَّجَتْ أَخَذَتْ وَالرَّجُلُ يُعْطَى فَلِذَلِكَ وَفِرَّ عَلَى الرَّجَالِ».

در این روایت به مسأله مهریه که زنها میگیرند و مردها باید پردازند، اشاره شده است.

در روایتی دیگر از امام صادق نقل شده که فرمود:

«إِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ لَهَا عَاقِلَةٌ وَلَا عَلَيْهَا نَفَقَةٌ وَلَا جِهَادٌ وَعَدَدَ أَشْيَاءَ غَيْرِ هَذَا وَهَذَا عَلَى الرَّجُلِ فَلِذَلِكَ جُعِلَ لَهُ سَهْمَانٌ وَلَهَا سَهْمٌ».

در نتیجه باید گفت

الف. جهاد بر مردان واجب است نه بر زنها و این خود موجب هزینه های لازم می باشد؛

ب. بر زنان نفقه کسی واجب نیست ولی بر مردان نفقه خود زن واجب است؛

ج. مردان وظیفه دارند که مخارج خانواده و فرزندان را تأمین و وسایل آسایش ضروری آنها را فراهم کنند؛

د. مردان باید به زنان مهریه پردازند و زنان مهریه را از مردان دریافت میکنند.



با توجه به موارد فوق سهم ارث زنها نصف سهم مردان قرار داده شده است که اگر دقت شود نه تنها چیزی از حق زنها کم نشده است بلکه مطابق وظیفه ای که زنها دارند اسلام بالاترین حق را برای آنها منظور کرده است.

ص: 44

به عنوان مثال در قانون ارث اگر چه در ظاهر، یک نوع نابرابری دیده می شود اما وجوب نفقه بر عهده مردان گذاشته شده است. در یک نگاه مجموعی به این دو حکم متوجه می شویم که زنها می توانند آن چه به ارث می برند را در ملک شخصی خود نگه دارند؛ ولی مردها موظفند از تمام مایملک خود در راه معاش زندگی زن و فرزند خود استفاده کنند. در این صورت به نظر می رسد در نهایت زنان بهره بیش تری از مردان ببرند.

فقههای اسلام، از تفاوتی که در سهم الارث زن و مرد وجود دارد و مرد دو برابر زن ارث می برد، بدین صورت دفاع کرده اند که این امر نه تنها تضييع حقی نسبت به زنان نیست، بلکه امتیازی هم برای آنان محسوب می شود. می دانیم که در نظام اجتماعی اسلام، به طور کلی مرد مسؤول پرداخت هزینه خانواده از هر قبیل است. در حالی که مسؤولیت و مدیریت زن در خانواده نسبت به اموری است که برای او مستلزم هزینه ای نیست، بدین ترتیب ثروت و در آمد او مانند مرد، صرف مخارج خانواده نمی شود. حال اگر، بیش تر از او ارث می برد، هرگز به خاطر برتری مرد نسبت به زن نمی باشد، بلکه به علت مخارج بیشتری است که اجباراً مرد در زندگی برعهده دارد.

#### شهادت زن در اسلام

شبهه افکنی در احکام مبین اسلام هر چند وقت یک بار با اهداف مختلف از جمله سنجیدن حساسیت های مذهبی مردم، صورت می گیرد. در برخی رسانه ها در مورد مساوی نبودن شهادت زن و مرد در اسلام و تبعیض جنسی خواندن آن اشاره می کنیم.

باید گفت زن دارای خصلتهای مخصوصی است که از مردان ممتاز می گردد و همین خصلت ها که ناشی از امر غریزی و فطری است، سبب شده که امور زندگانی میان مردان و زنان تقسیم گردد، که دخالت هر یک در کارهای دیگری سبب اختلال نظم اجتماعی می گردد. وظیفه اصلی زن شوهرداری، تربیت فرزندان و گرم نگه داشتن کانون خانواده ها است، بنابراین:

1. وظیفه زن در موارد غیر ضروری دخالت در کار های بیرونی نیست. بر همین اساس از وظایف بیرون

کمتر آگاهی دارند.

2. دقت زن ها در چنین اموری کمتر و سرعت قبولشان در اثر غلبه احساسات، بیشتر است، لذا احتمال خطا

یا تعمد برخلاف واقع، در زن ها بیشتر وجود دارد.

3. اسلام در تمام موارد حقوق، سعی بر دقت در مسائل دارد تا حقوق کسی پایمال نگردد.

ص: 45

4. در برخی موارد مانند شهادت به زنا، دقت و موشکافی شاهد را می طلبد که در چنین موضوعات،

موشکافی و بیان خصوصیات با روحیات و مصالح اخلاقی و اجتماعی زنان ناسازگار است.

5. در مورد زن شهادت دهنده به ویژه در اعمال منافی عفت، همیشه این امکان وجود دارد که خود آن زن

مورد تهمت قرار بگیرد.

بر اساس ملاحظه موارد فوق و در نظر داشت مصلحت و کرامت خود زن، اسلام در برخی موارد آنها را از

دادن شهادت منع و در پاره ای موارد دیگر، همراه فردی دیگر، اجازه شهادت داده است.

## مرجعیت و زنان

عنایت ویژه به مسائل زنان، معظم له در نقش آفرینی زنان که نیمی از جمعیت کشور یا حتی می توان گفت

که بیش از نصف جمعیت عراق را تشکیل می دهند در ساختن عراق جدید را لازم و ضروری می دانند و

نباید این پتانسیل از فعالیت و سازندگی کشور باز بماند ایشان در اختصاص دادن وزارت خاص مسائل زنان

را از دولت خواستار شدند و حتی به قانون حاکم که فقط یک چهارم کرسی های مجلس پارلمان عراق را به

زنان اختصاص داده اعتراض خود را علنی ساخته و خواستار حاکمیت رای ملت در انتخاب افراد شایسته از

بین کاندیداها شدند و محدودیتی از این حیث قائل نشوند.

ایشان در حمایت همه جانبه از زنان در همه حوزه ها را در برنامه فعالیت های خود دارند بخصوص در

مسئله حوزه علمیه و ویژه خانم ها که بتوانند دروس حوزوی را در آنجا فرا گیرند و در همین راستا حوزه

علمیه جامعه الزهرا س را تاسیس کردند و تا کنون شعبه هایی از آن را در بیشتر استانهای عراق را دایر کردند

که زیر نظر جامعه الصدر به فعالیت های خود رسیدگی می کند و بحمدالله تا کنون برخی از طلاب این

حوزه به مرحله تحصیل در سطح لمعه دمشقیه که مرحله بسیار مناسبی در مراحل حوزه علمیه است، در

حال تحصیل می باشند.

همچنین ایشان مرکز انجمن زنان المصطفی ص را تاسیس کردند تا زنان بتوانند از این رهگذر به خواسته

های خود و مطالباتی که دارند رسیدگی شود معظم له از گروه خانمهایی که از این مرکز به دیدار ایشان

مشرف می شوند رهنمودهای لازم را یاد آوری می کنند و نیز به صحبت‌های آنان به نمایندگی از دیگر زنان جامعه گوش میدهند و از مشکلات آنها و از راه‌حلهایی که پیشنهاد میشود اطلاع لازم را کسب می کنند تا بتوان برای رفع آنها سعی و تلاش لازم را انجام داد.

ص: 46

معظم له فعالیت‌هایی را در حوزه زنان از جمله سخنرانی و بیانیه و نیز کتابهایی را در این باره منتشر کردند تا گامی باشد در حل مشکلات امروز زنان جامعه که به بندگی و اسارت مدرن رو آوردند و گرفتار در منجلاب فرهنگ غرب شدند در این فعالیت‌ها سعی شده که زن را از این اسارت آزاد کرده و به هویت اصیل و فرهنگ اسلامی خود باز گردد و نیز در مقابل هجمه‌های فرهنگی از سوی غرب با تمام قدرت ایستاد و از احکام اسلامی ویژه زنان و حکمت وضع آنها که مورد حمله شدید قرار گرفته بود و زنان را به این مسائل سوق می‌دادند و تبعیض جنسی را تبلیغ می‌کردند و زنان را از این حالت متنفّر می‌ساختند را یاد آور شوند ایشان شبهات را پاسخ میدادند و از قداستی که اسلام برای جنس زن قائل است را مورد تاکید قرار میداد و از شیخون فرهنگی علیه اسلام از سوی غرب را دائما یاد آور می‌شدند و زنان را از به دام افتادن بر حذر می‌کردند.

سخن در این باره بسیار است و مجالی برای ذکر همه آنها نمی‌باشد اما برای آگاهی بیشتر می‌توان به کتابهای معظم له در این خصوص از جمله (فلسفه تشریحات المرأة) و (دور المرأة في بناء عراق الجديد) و (سلسلة خطاب المرحلة) و (فقه المرأة المسلمة) و (فقه العائلة) و (الحوزة و قضايا الشباب) و (فقه الجامعات) و (سلسلة نحو مجتمع نظيف) و (سلسلة ظواهر اجتماعية منحرفة) و دیگر کتابها مراجعه کرد.

## نصائح

زنان لازم است از درس‌ها و مفاهیم مثبت و موعظه‌هایی که در قرآن است بهره‌مند شوند و از گنجهای نهفته آن در راستای ثبات و استقامت در راه ایمان و اعتقادات و اخلاق، در مقابل گمراهی‌ها و شهوات و مبارزه با ظلم و طغیان و دیگر اهداف بلند استفاده کنند.

باید به مفاهیم برداشت شده از قرآن در زمینه‌های مختلف معرفتی توجه کنند و سخنرانی‌های دینی هم باید حاوی این مفاهیم بلند باشند تا به دانشجویان انگیزه دهد و همت بلند را در جان آنان تزریق کند و در ساختن انسان و جامعه صالح و آبادانی سرزمین و محیطی که بتوان در آن استعدادها در زمینه‌های مختلف رشد و بالنده و شکوفا شود کمک کند.



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

